

خبرنامه «جمعیت الغای کار کودکان در ایران»

شماره ۲ _ ژانویه ۲۰۰۵

بر کودکان در ایران چه می‌گذرد؟



مقدمه:

کودکان ایران جزو فراموش شده ترین و بی حقوق ترین کودکان جهانند. مقوله کار کودک در ایران سالهای سال مسکوت مانده و جزو رازهای مگو و پنهانی به شمار می‌آمده است. با اوج گرفتن استثمار کودکان در عرصه های مختلف تولیدی و کار خانگی و خیابانی، دولت جمهوری اسلامی تلاش کرد کار کودک را فرهنگ و سنت حاکم بر خانواده ها قلمداد کند. امروزه دیگر واقعیت تلخ و تکان دهنده استثمار وحشیانه اسپارلتاکوس‌های کوچک ایرانی، بر کمتر کسی پوشیده است. «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» به سال ۲۰۰۰ تصمیم داشت کنسرتی برای جلب توجه ایرانیان مقیم خارج کشور و افکار عمومی بین المللی به نفع کودکان خیابانی - با تمرکز بر روی کودکان ایران - برگزار کند. از زمانی که ضرورت انعکاس این پدیده و پس زدن پرده آهنین سکوت در مقابل این جنایت احساس می‌شد، کمتر از پنج سال می‌گذرد. رشد نجومی کودکان خیابانی در ایران و انواع فجایع و ظلمی که در حق آنان صورت می‌گیرد و به آنها می‌شود، امروز دیگر بر کمتر کسی پوشیده است. روزنامه ها و مجلات در ایران از یک سو با حضور در صحنه وجود کودکان کار و کار خیابانی و از سوی دیگر تحت فشار فعالیت‌های کارگران فرهنگی و تلاش گران عرصه دفاع از حقوق کودک و جنبش لغو کار کودکان، وادار به نقل و گزارش روزافزون این پدیده شده‌اند. جا دارد یادآوری کنم که سال‌های پیش چه نشریات و روزنامه های دوم خردادی در ایران، و چه همپالکی‌هایشان در خارج، آن جا که از سر ناچاری سخنی از این مقوله به میان می‌آوردند، این کودکان را کودکان بی بضاعت، بی سرپرست، مهاجر، غربتی و شهرستانی می‌خواندند، تا از یک طرف زهر ماجرا را بگیرند و از طرف دیگر کاسه ابولفضل و گدایی جهت جمع آوری کمک مالی برای این به اصطلاح یتیمان و بی سرپرستان را بچرخانند. پول‌هایی که بعضا معلوم نیست سر از کجا در آورده‌اند و تا آن جا که ما اطلاع داریم بخش بسیار ناچیزی از آنها به امر کمک به کودکان خیابانی اختصاص داده شده و بقیه به حساب‌های مختلف خود دولت ایران - با واسطه یا بی واسطه - سرازیر گردیده است.

«جمعیت الغای کار کودکان» از همان ابتدای فعالیت خود، به یمن حضور در جنبش جهانی لغو کار کودک و گلوبال مارش، بر این واقعیت تاکید داشت و پای فشرده که کودکان خیابانی، کودکان کار و فرزندان طبقه کارگرند. «جمعیت» با استناد به گزارشات یونیسف به واقعیت مقوله حضور کودکان در خیابان برای کار و تامین معیشت تاکید نمود. با برملا شدن کار کودکان در خیابان‌ها، نشریات دوم خردادی و دولت با زدن تیتراهایی مانند: «گدایان ژولیده و کثیف چهره شهر را آلوده کرده‌اند» و با استفاده از واژه هایی نظیر: «شغل کاذب» در رابطه با این کودکان، سعی در به انحراف کشاندن افکار عمومی و تقلیل دادن این واقعیت دردناک نمودند. ما اما در مقابل این تعاریف و توضیحات انحرافی و سودجویانه ایستادیم. امروز ضمن تأثر به خاطر افزایش تعداد کودکان کار، ولیکن با نوعی شادی باید گفت که شاهد رشد جنبش لغو کار کودک در ایران و به ویژه آگاهی خود این کودکان از ستمی که بر آنان روا می‌رود نیز هستیم. کودکان شرکت کننده در مراسم روز جهانی کودک در ایران مصرا نه تاکید داشتند که نباید به آنها کودک خیابانی اطلاق شود، چرا که این واژه معنای ولگردی بی هدف را به ذهن متبادر می‌کند. در مقابل، آنها می‌خواستند که به آنان کودکان کار خیابانی گفته شود. گزیده‌ای از خبرها و گزارشات نشریات و روزنامه های چاپ ایران - که در ادامه می‌آیند - بر واقعیاتی که به مختصر در این مقدمه کوتاه مورد اشاره قرار گرفتند، مهر تاکید می‌زنند. این اخبار و گزارشات عینا از روزنامه و مجلات ایران نقل شده‌اند.

سوسن بهار

ژانویه ۲۰۰۵



سال ۲۰۰۳

آیا تا به حال از نقاشی دانش آموزان برای تزئین دیوار مدارس در ایران استفاده شده است؟ اگر این کار انجام شده است؟ از چه کیفیتی برخوردار بوده است؟

یکی از مدیران مدارس منطقه پنج تهران می‌گوید: اگر منظور از استفاده نقاشی کودکان در سطح وسیع باشد، باید بگویم نه! یعنی باید رنگ و قلم مو به دست کودکان بدهیم تا بگوئیم نقاشی کنند. این کار امکان پذیر نیست، زیرا هزینه گزافی را به خود اختصاص می‌دهد.

۱۸ ژوئن ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»،

آزادی گروگان نه ساله پس از ۱۹ روز: آدم ربایان درخواست ۱۲ میلیون تومان برای آزادی دختر نه ساله نموده بودند.

سپتامبر ۲۰۰۳، مجله «دانایی»، بخش اجتماعی،

«میزان کتاب خوانی مردم ما در سال کمتر از چهار دقیقه است.»

هر روزه تعداد زیادی از نقاشی‌های دانش آموزان در سطل زباله ریخته می‌شود و به خلاقیت‌های هنری دانش آموزان توجه نمی‌گردد. سؤال خبرنگار:

۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳، مجله «دانایی»

«رنگ لباس‌ها و اینفورم مدارس برای کودکان دیگر کسالت آور است.» (این



لباس‌ها جدا از دست و پاگیر بودن و مانع از رشد و آزادی اعضای بدن دانش‌آموزان دختر شدن، با رنگ تیره خود دانش‌آموزان را در حالتی رخوت‌ناک و بی‌نشاط هم فرو می‌برد. س. ب.)

مجله «دانایی» در مقاله‌ای به تعریف رنگ پرداخته و تاثیر آن را به طور روان‌شناسانه بررسی می‌کند و می‌نویسد: «رنگهای تیره لباسای دانش‌آموزان کسالت آور است و کودکان را به رخوت و سستی دچار می‌کند.» (رنگهای خاکستری تیره، قهوه‌ای، صورمه‌ای و سیاه، سبز ارتشی، رنگهای مجاز اونیفورم مدارسند. س. ب.) اما همین مقاله در ادامه یادآوری می‌کند که: «با فرهنگ مردم ما، رنگهای جلف و زنده سازگار نیست!»

۱۰ مهر ۲۰۰۳، آرشیو روزنامه «ایران»، منبع روزنامه «شرق».

در نشست جمع آوری طرح کودکان کار عنوان شد: دولت کار کودکان را تحصیل اعلام می‌کند

گروه اجتماعی: در پی اجرای طرح جمع آوری کودکان کار که به پیشنهاد سازمان بهزیستی و توسط نیروی انتظامی از چندی پیش در شهر تهران اجرا شد، انجمن حمایت از حقوق کودکان روز گذشته به تشریح جزئیات این طرح پرداخت. در این جلسه از چند مسئول بخش دولتی از جمله سید هادی معتمدی، معاون پیش‌گیری آسیب‌های اجتماعی و بهزیستی استان تهران، حسین علم‌الهدائی، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی، و سرهنگ محمد جواد روزبهایی، معاون اجتماعی نیروی انتظامی «تهران بزرگ»، هم دعوت شده بود که هیچ‌یک در جلسه حضور نداشتند.

در ابتدای جلسه قرار بود که فیلمی از گفتگو با چند کودک کار که توسط ماموران نیروی انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در جهت اجرای طرح سازماندهی کودکان کار دستگیر و به مرکز «یاسر» منتقل شده بودند، پخش شود. اما به گفته مسئولان انجمن به دلیل وضوح تصویر چهره کودکان، به جای نمایش فیلم، صدای گفتگوی مددکار خانه کودک با این کودکان برای حضار پخش شد. مددکار خانه کودک که در یکی از دفعات دستگیری کودکان کار با ماموران نیروی انتظامی همراه شده بود نیز گزارشی از مشاهدات خود را ارائه کرد.

در ادامه کارآموزی تبهکاری

داور شیخ‌آوندی، جامعه‌شناس، در یک نگاه جامعه‌شناسی به طرح جمع آوری کودکان کار اظهار داشت: دستبند زدن به یک کودک حتا با این توجیه که او را از دل فساد بیرون بیاورند و در شرایط انسانی قرار دهند، نوعی کارآموزی تبهکاری برای کودک است. کودک خود را گرفتار بندی می‌بیند که همیشه در فیلم‌های تلویزیونی شاهد آن بوده و این شرایط را مخصوص آدم بزرگها تصور می‌کرده است و این کودک در بزرگ سالی پیرو همان رفتاری خواهد بود که در سنین کودکی بر او روا داشته‌اند. وی افزود: خواستگاه کودکان کار خیابان از خانه و به سوی جامعه گسترده‌ای است که همه چیز در این جامعه قابل فروش است، از جمله اندام‌های مرده و زنده. اما قرار است که دولت از این کودک حمایت کند و برای او امنیت ایجاد کند. امنیتی که با زدن دستبند بر دست کودک ایجاد می‌شود، در نهایت به چه راهی ختم خواهد شد؟ و در حالی که لاقال در شش سال اول زندگی کودک، موظف به تامین امنیت و حمایت از او هستند، از او سوء استفاده کرده و کودک به ابزار ایجاد در آمد تبدیل می‌شود. و در واقع، پدر و مادر بی‌کاری خود را با کار کودکان جبران می‌کنند.

رضایی، کارشناس دفتر پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی بهزیستی، که به نمایندگی از معتمدی در این جلسه حضور یافته بود، در توضیح چگونگی تدوین طرح سامان دهی کودکان کار خیابان اظهار داشت: دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در ابتدا طرح جمع آوری و نگه داری کودکان خیابانی

را در برنامه خود قرار داد، اما پس از مدتی معلوم شد که درصد عمده‌ای از کودکان خیابانی کودکان کار هستند و خانواده دارند، اما به دلیل مختل شدن کارکرد خانواده باید در تامین معاش خانه سهیم باشند. بنابراین قرار شد که طرحی مبنی بر حمایت از کودکان کار از سوی این دفتر نوشته و اجرا شود، اما در خرداد ماه سال ۸۱ یک دستور بسیار شتاب زده از سوی شورای اجتماعی کشور که سیاست گذاری کلان را بر عهده داشته و چندان توجهی به نظریات سازمان بهزیستی ندارد، خواستار آن شد که ظرف یک هفته طرح جامع سازمان دهی کودکان خیابانی نوشته شود. به پیروی از این دستور، طرح نوشته و اجرا شد.

وی افزود: متأسفانه طرحی که چنان شتاب زده و بدون هر گونه تعمق در سال گذشته تدوین و اجرا شد، تاکنون نتیجه موفقی در جذب کودکان نداشته و من اعلام می‌کنم که سازمان بهزیستی به هیچ وجه موافق با طرح جمع آوری کودکان کار خیابان نبوده، زیرا تبعات منفی این طرح به سازمان باز می‌گردد.

۱۵ هزار کودک در ورودی تهران

عباسعلی الصاق، مدیر کل بهزیستی استان تهران، که به گفته خود نه برای پاسخ گویی، بلکه صرفاً برای استماع صحبت کارشناسان حضور یافته بود، آمار ورودی کودکان کار در مدت نه ماه اخیر را اعلام کرد و گفت: در فاصله اول دی ماه ۸۱ تا ۲۹ شهریور ماه ۸۲ حدود پانزده هزار کودک زیر هجده سال از میدا ترمینال‌ها وارد شهر تهران شده‌اند و طبق بررسی‌های انجام شده در شهریور ماه امسال از بین ۳۴۰۰ کودک کار حدود ۵۰۰ کودک افغانی و پاکستانی بوده‌اند. وی در تکذیب سخنان کارشناس دفتر پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی بهزیستی تهران مبنی بر شتاب زده بودن طرح جمع آوری کودکان کار گفت: دو طرح بلند مدت و کوتاه مدت برای سامان دهی کودکان کار از سوی بهزیستی ارائه شد که چندان شتاب زده هم تدوین نشده بود. محتوی طرح مقبول بود، اما اگر ایرادی وجود دارد در اجرای آن است. مسلماً یک سازمان نمی‌تواند به تنهایی پانزده هزار کودک را ظرف مدت شش ماه سامان دهی کند، آن هم در حالی که ۷۰ درصد از این کودکان از استان‌های دیگر آمده بودند.

کار کودکان تحصیل است

... در ادامه این نشست شیرین عبادی، حقوق دان، با اشاره به این که وضعیت فعلی در حدی تغییر یافته که لاقال مسئولان دولتی خود را موظف به پاسخ گویی به سازمان‌های غیر دولتی می‌دانند در مخالفت با ماهیت طرح جمع آوری کودکان کار اظهار داشت: «این کودکان، بچه‌های کار هستند که خانواده‌هایی با وضعیت نامساعد اقتصادی داشته و چون اغلب به سن قانونی کار هم نرسیده‌اند و نمی‌توانند

تربیت، آن چنان در ایران بازار گرمی دارد که در خبرهای روزانه نشریات این کشور حتما گزارش و موردی در این زمینه وجود دارد. ب. س.

۵ اکتبر ۲۰۰۳، روزنامه «همشهری».

حقوق کودک و چالش‌های فرا رو به بهانه روز جهانی کودک

مریم غفاری: کودک آزاری، معضل هم چنان باقی.

عبدالصمد خرمشاهی: زمانی می‌توانیم به این پدیده برخورد کنیم که در کنار ساز و کارهای قانونی، نوع نگرش به این قضیه را تغییر داده و موانعی را که در سر راه حمایت از حقوق کودکان وجود دارد برداریم.

ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی تصریح دارد که: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند. ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند. (تادیب یعنی کتک زدن)

دکتر نجمی توانا در خصوص کودک آزاری می‌گوید: «تنبیه بدنی بدترین و آسان‌ترین وسیله تربیتی است. ضرب و جرح، آزار و اذیت بدنی، در طفل ایجاد زمینه پیچیدگی‌های روحی و روانی می‌کند و زمینه بروز جرایمی است که در چهارچوب تعلیم و تربیت است و با جرایمی که منجر به سوء استفاده جنسی و یا استثمار کودک می‌شود متفاوت است و باید در جرایم اعمال شده علیه کودکان دو تفکیک قائل شد. اگر هدف حمایت از طفل باشد، مانند بسیاری از کشورهای جهان این جرم جنبه عمومی داشته و مدعی العموم اقدام می‌کند. اما در کشور ما این قضیه متفاوت است. به گونه‌ای که پدر به لحاظ ولایتی که بر فرزند دارد و حسب الاصل فقهی موضوع جنبه حقالناس داشته و به لحاظ مقررات شرعیه چنین پدری قابل پی گیری نیست. اگر چه از باب تعزیز جنبه عمومی قتل نادیده گرفته نشده باشد.» (ترجمان عملی این گفته به زبان آدمیزاد یعنی این که در کشور اسلامی ایران، بنا به قوانین شرعی، در صورت قتل فرزند به دست پدر، وی مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد و قانون مدنی ایران که همان قانون شرع است، دست ابوین را در کودک آزاری تا سطح قتل باز گذارده است. تیتزر روزنامه‌ها و مجلات ایرانی در طی سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ (برابر با سال ۲۰۰۳ و اوایل سال ۲۰۰۴) مملو از خبرهای تکان دهنده جنایت علیه کودکان است. ب. س.

۷ اکتبر ۲۰۰۳، «بین الملل اجتماعی».

به مناسبت روز جهانی کودک: چه کسانی به خود حق می‌دهند؟

چه کسانی به خود حق می‌دهند شمشیر برهنه شان را روی تن نحیف کودکی بکشند، بی آن که به او حق پاسخ گویی بدهند؟
کودکی با تن پر زخم از سیخ کباب و آتش سرخ سیگار و تیزی چاقو و شاید لگدمال شده زیر گام‌های زن و یا مردی که خود را پدر یا مادر او نامیده‌اند، در اتاقی تاریک یا زیرزمینی نور ضجه می‌کشد تا دستی را در آغوش کشد که برای همیشه آرامش داشته باشد. دست بر تنش که می‌کشی با لرز و فریاد پاسخ ات را می‌دهد، قلبش به شدت می‌تپد و برای رهایی، عمیق‌تر فریاد می‌زند. امروزه به محض مطرح شدن مساله «آزار»، مردم به واسطه ضرورت‌هایی که تاکنون در رسانه‌ها دیده‌اند، تنها یک صحنه را پیش چشم خود مجسم می‌کنند: «کودک آزاری» واژه‌ای که عده‌ای اعتقاد دارند مطبوعات و سایر رسانه‌ها با نشان دادن صحنه‌های دردناک، به اشاعه آن دامن زده‌اند! آن‌ها گوئی از یاد برده‌اند کلاف واژه «آزار» سر در گهتر از آن است که دلیل موجهی برای توجیه داشته باشد، به ویژه برای کودکان.

بر خلاف تبلیغات گسترده انجمن‌ها و سازمان‌های متعدد برای رفتاری مناسب با کودکان، هنوز کودکان بسیاری در کوچه پس کوچه‌های شهرها و به ویژه پایتخت چنان تحت شکنجه اعضای خانواده خود قرار می‌گیرند که پس از بهبود نسبی هرگز تمایلی برای بازگشت به منزل خود را ندارند. اما نکته قابل تامل این جاست که این کودکان اغلب یا در خانواده‌هایی

در کارگاه‌ها کار کنند و از مزایای قانون کار بهره مند شوند، نیمکت مدرسه را رها کرده و به امید لقمه‌ای نان به خیابان می‌آیند.» وی با طرح این پرسش که آیا کشور ما به نقطه‌ای از پیش رفت و توسعه رسیده که فقر را گناه می‌داند؟ گفت: «آیا باید به یک فقیر به چشم مجرم نگریسته و او را دستگیر کنیم؟ بر اساس کدام ماده قانون این کودکان دستگیر می‌شوند؟ اگر توجیه این شیوه بر مبنای قانون، جرم بودن تکدی گری باشد که این کودکان تکدی نمی‌کنند. این کودکان از فرط استیصال به خیابان رانده شده‌اند.» عبادی یادآور شد که اجرای این طرح بدون نظر به آینده صورت گرفته و ضمن ارائه راه حل برای بهبود واقعی وضع کودکان کار، ابتدا به نکات منفی طرح جمع آوری کودکان کار و بی توجهی به مساله تحصیل این کودکان از سوی مسئولان اشاره کرد و یادآور شد: «اجرای این طرح، هزینه سنگینی را بر دولت تحمیل می‌کند. این کودکان در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. و با کوچک‌ترین غفلتی تبهکاران آینده خواهند بود، اما اگر هم شانسی داشته باشند و تبهکار نشوند، چون تحصیل نکرده‌اند، کارگران غیر متخصص و غیر ماهری هستند که تا پایان عمر باید فقیر بمانند، در حالی که می‌توانیم برای جلوگیری از صرف هزینه‌های گزاف در زمان جمع آوری، استخدام دو برابر نیروی پلیس برای دستگیری تبهکاران آینده، و توسعه زندان‌ها و ورود قشر عظیم طبقه‌های بی تخصص به جامعه، «کار کودکان تحصیل است» را به عنوان هدف مد نظر قرار دهیم. به این صورت که دولت به عنوان کارفرمای کودکان کار، تمامی آنان را وادار به درس خواندن بکند و دست مزد روزانه یا ماهانه‌ای را که این کودکان از طریق کار خیابانی کسب می‌کردند، به خانواده پرداخت کند؛ مشروط بر این که این پرداخت به محض ترک تحصیل کودک یا سستی او در تحصیل قطع شود. در چنین شرایطی، همان پدر و مادری که با مشت و لگد فرزند خود را به خیابان می‌فرستند که پول به خانه بیاورد، تبدیل به نگهبانی برای آن کودک خواهد شد که او را وادار به درس خواندن می‌نمایند؛ چون به دست مزد که حالا از سوی دولت پرداخت می‌شود، نیاز دارند.

آسیب روانی پس از تخریب

شیوا دولت آبادی، اجرای طرح جمع آوری کودکان کار را با شیوه کنونی دستگیری و دستبند زدن و ضرب و شتم کودکان از منظر روان شناسی چنین تشریح کرد: «با چنین رفتارهایی حتا در کودکانی که کودک کار و خیابان هم نباشند، خود پنداره مجرم بودن را ایجاد می‌کنیم.» وی افزود: «حتا اگر این کودکان شبانه روز هم در رنج و نکبت خانواده غوطه ور باشند، با دستگیری و به اصطلاح جمع آوری با چنین شیوه‌هایی حتا با اجرای بهترین راه کارها در جهت ننگه داری از این کودکان با پدیده‌های مواجه خواهیم شد که از نگاه روانشناسی آسیب روانی بعد از تخریب نام دارد.»

(وجود قوانین کودک آزار در قانون مدنی ایران، منجر به رشد و افزایش سطح جنایت علیه کودکان در این کشور شده است. پاشنه آشیل کودک آزاری در ایران جدا از به کارگیری بردگان ارزان و استثمار کودکان که بالاترین و اسف انگیزترین نوع کودک آزاری است، وجود قوانینی است که دست جامعه بزرگ ترها را در آزار کودکان باز گذاشته است. کودک ربایی (Child Trafficking) از ربودن کودکان و فروش شان در بازارهای کشورهای عربی گرفته، تا اوراق کردن تن و بدن نحیف شان و درهم شکستن جان کوچک شان در بازارهای بین المللی، از اخذی از والدین گرفته تا برده سکن نمودن آنان و نیز استفاده از آن‌ها در باندهای مواد مخدر، یکی از غم انگیزترین اشکال کودک آزاری است که به سرعت در ایران وسعت یافته و آن را جزو چند کشور سرآمد این فاجعه نموده است. کشته شدن کودکان به دست والدین و آزار روحی و شکنجه جسمی تحت لوای تعلیم و

تنگ دست به دنیا آمده‌اند یا یکی از والدین‌شان عاریه‌ای است. آن‌ها از معنای تر و خشک شدن، بازی کردن، لذت بردن، چیزی نمی‌دانند. اما خوب می‌دانند که تاوان ندانم کاری والدین‌شان را پس می‌دهند. روان‌شناسان تاکید دارند که دسته دسته این کودکان که چشمی آن‌ها را زیر ذربین نمی‌کشد، آینده نه چندان دور زندگی‌شان صرف نابسامانی‌های اجتماعی آن‌ها در حصار بسته شهرها خواهد شد. یا سرانجام بر اثر تخلفات متنوع دیگر، پشت میله‌های زندان برای آزادی در زندگی نعره خواهند کشید.

در آستانه روز جهانی کودک، سمینارها تشکیل می‌شود، وعده‌های بسیار امیدوار کننده‌ای داده خواهد شد و از افق روشن کودکان در آینده‌های نزدیک صحبت به میان خواهد آمد. اما جالب این جاست که با برچیده شدن بساط سمینارها، کنگره‌ها و جلسات متعدد درباره این موضوع، مسئولان باز هم خود را با گره کور مشکلات متعدد کودکان رو در رو خواهند دید.

ماده ۶ اعلامیه حقوق کودک که در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۰۸۹ پذیرفته شد، اعلام می‌کند: دولت موظف است زندگی، بقا و شرافت کودک را تضمین کند. در ماده ۲۷ همین اعلامیه تاکید شده است: هر کودکی حق دارد از زندگی‌ای بهره مند شود که متناسب با شرایط رشد اجتماعی، جسمانی، ذهنی، معنوی، و اخلاقی او باشد.

در تمامی موارد اعلامیه بر این که والدین، دولت و سرپرستان قانونی کودک در انجام مسئولیتی که برای پرورش او به عهده دارند، تاکید شده است. چنان که در ماده ۵ نیز آمده است: کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و نیازی به شاکی خصوصی ندارد. دست اندرکاران در حوزه دفاع از حقوق کودک، کودک آزاری را نتیجه خلاء قانونی می‌دانند و اصلاحیه‌هایی را که پیرامون ماده ۵ از سوی برخی نهادها اعمال شده و والدین را از اعمال مجازات مستثنی اعلام می‌کند، تیشه بر پیکره نحیف حقوق او می‌دانند.

این که پدری طفل یک و نیم ساله‌اش را پس از استعمال مواد مخدر با شکنجه و سیخ بکشد و تنها به تحمل ده ماه حبس محکوم شود، پدری سر دختر هفت ساله‌اش را ببرد و در گونی بگذارد و در شهر بچرخاند تا بگوید آبرویش حفظ شده است، پدری که دو فرزند یازده و دوازده ساله‌اش را با زنجیر مورد ضرب و شتم قرار دهد و یکی از فرزندانش در بیمارستان از شدت شکنجه جان دهد، زنی فرزند ۵۷ روزه خود را طوری شکنجه می‌کند که علاوه بر شکستگی دو پا آثار سوختگی و کبودی فراوانی بر تن نحیف او مشاهده می‌شود، یا نوزاد روستایی نه ماهه‌ای بر اثر ضرب و شتم والدین‌اش بینایی خود را به طور کامل از دست دهد، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

برای گرامی داشت روز جهانی کودک، روان‌شناسی می‌گوید: باید دید برای حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های خانگی و اجتماعی چه کار مثبتی انجام داده‌ایم...

۱۱ اکتبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»،

در همایش کودک آزاری عنوان شد: کودک آزاری نیازمند قانونی مدون و دستگاه متولی است تا بتواند نسبت به کاهش و مهار این معضل اقدام نماید. هم چنین عباس باقری یزدی در این جلسه گفت: ما اطلاع دقیقی از کودک آزاری جنسی در کشور نداریم، زیرا موضوع همیشه با انکار توسط کودک آسیب دیده و عامل آسیب زا همراه است. عباس باقری یزدی گزارشی در طول مدت ده روز از تاریخ ۲۰ لغایت ۳۰ آذر سال ۱۳۸۲ تهران ارائه کرد و گفت: در طول این مدت، ۳۰۵۱ نفر مراجعه کننده داشتیم که ۳۰۱۹ نفر آنان مورد مطالعه قرار گرفتند. وی افزود ۳۷/۸ درصد از این کودکان یک تا پنج ساله بودند. باقری عامل اصلی کودک آزاری‌ها را پدر معرفی کرد و اظهار داشت: بیش از ۹۰ درصد کودک آزاری‌ها در خانه رخ داده بود.

۱۷ اکتبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»،

نه روز کودک ربایی ۲۰ میلیونی: زوج جوانی که پسر بچه شش ساله‌ای را ربوده و قصد اخاذی ۲۰ میلیونی از والدینش داشتند به دام افتادند.

۱۹ اکتبر ۲۰۰۳، روزنامه «همشهری»

طی مقاله‌ای در این روزنامه اعلام شده است که ۱۳۰ هزار مدرسه در سطح کشور ایران وجود دارد. آن‌ها هم برای یک کشور ۷۰ میلیونی که بیش از دو سوم جمعیت‌اش جوانان و کودکان‌اند. س.ب. بنا به همین اطلاع همین روزنامه، سالانه ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب کودکان برگزار می‌گردد. به نمونه‌های زیر در این زمینه که از دعوت نامه‌های «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ایران» برگرفته شده است، توجه کنید:

— برگزاری هفتمین شب شعر و داستان با محور عاشورا؛

— کودکان در «جشن یادمان سبز»؛

— «کمپته کودکان و نوجوانان ستاد دهه فجر» برنامه‌های خود را به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اعلام کرد. مهدی باقری جانشین کمپته کودک و نوجوان این ستاد در جمع خبرنگاران، ضمن تشریح برنامه‌ها گفت: «جشنواره یادمان سبز» که شامل نمایشگاه‌های مختلف است، در این ایام در مرکز آفرینش‌های هنری و فرهنگی کانون برگزار می‌شود. وی با اشاره به این که این برنامه ویژه کودکان چهار تا شانزده ساله است، اظهار داشت: تشکیل غرفه تماشاخانه انقلاب که در این غرفه ۲۵ واقعه از رویدادهای انقلاب اسلامی از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ به صورت طرح و ماکت در معرض نمایش گذاشته می‌شود، هم چنین برپایی نمایشگاه «شکوه پیروزی» که طی آن مراحل پیروزی انقلاب اسلامی، ورود حضرت امام، جنگ تحمیلی، رحلت حضرت امام، دوران سازندگی و هجرت پیامبران با استفاده از هنرهای نقاشی و گرافیک، عکاسی و قصه‌نگاری (کمیک استریپ) در معرض بازدید بچه‌ها قرار می‌گیرد، از جمله برنامه‌های جشنواره‌اند. وی ادامه داد: در غرفه «عید در عید»، مربیان با ارائه برنامه‌های متنوعی به مناسبت انقلاب اسلامی، عید قربان و غدیر، فضایی شاد برای بچه‌ها فراهم می‌کنند.

— به گزارش روابط عمومی «کانون پرورش فکری»، میزان واردات اسباب بازی به ایران به مرز ۵۲ میلیارد ریال رسید، ارزش دلاری واردات شش میلیون دلار است و وزن آنان بالغ بر هزار تن می‌باشد. شورای نظارت بر اسباب بازی با ۶۸ مورد از ۷۲ موافقت نموده است. تعداد چهل طرح از طراحان ایرانی مورد موافقت قرار گرفته و به طور وسیع در سطح کشور پخش شده است.

— «عروسک‌های دارا و سارا کوهنورد شدند». سارا عروسک محجبه کودکان ایرانی است. گروه کوهنوردی «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» با صعود به قله آزارات، ضمن به احتزاز در آوردن پرچم مقدس جمهوری اسلامی، تصویری از عروسک‌های دارا و سارا کوهنورد را بر فراز این کوه ۵۳۱ متری نصب کردند.

— در جشنواره‌ای با عنوان «نیایش»، بچه‌ها به خدا هدیه دادند. این جشنواره که کودکان اقلیت‌های مذهبی و هم چنین مسلمان را در بر می‌گرفت، محل برگزاری مسابقه داستان نویسی و شعر هم بود. در این جشنواره، شماری از برگزیدگان آثار خود را با موضوعاتی چون «ترانه‌هایی برای خدا»، «آن روز که از ته دل صدایت کردم»، «خدایی که در این نزدیکی است»، «جانماز پر از عطر توست» و... خواندند.

برگزاری نمایشگاهی از ابزار نیایش، قسمت دیگر این نمایشگاه بود که شامل: کتاب‌های دعا، قرآن، شمع، لباس‌های غسل تعمید، بندهای دور بازوی پسران هنگام رسیدن به سن تکلیف، جانماز و مهر و تسبیح می‌شد.

۲۱ اکتبر ۲۰۰۳، روزنامه «همشهری»،

شهریه های مدارس چگونه مصرف می‌شوند؟ آیا گرفتن پول برای ثبت نام قانونی است؟ دولت ایران می‌گوید تحصیل رایگان است، اما والدین باید هزینه‌های گزافی برای ثبت نام بپردازند. وحید خسروشاهیان، ژورنالیست: به دلیل عدم حمایت مالی و نیروی انسانی و کارآمد از سوی دولت، تن خسته آموزش و پرورش کشور ناتوان‌تر و نحیف‌تر شده، تا جایی که وزارتخانه، دست مدارس مناطق را در اخذ پول از مردم باز گذاشته است. یک مسئول آموزش و پرورش که نخواست نامش فاش شود، گفت: دولت طبق قانون حق گرفتن شهریه و پول را از والدین ندارد.

۲۳ اکتبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»،

«زباله نیستیم، بچه های اعماقیم»

مجید، معلم ورزش بیست ساله، درباره محل نگره داری از کودکان کار در خیابان می‌گوید: بچه ها سه نوع هستند. ایرانی، افغانستانی و غربیتی که افغانستانی‌ها از همه به مدرسه پای بندترند. انواع ناهنجاری‌ها هم در بین بچه های ایرانی و غربیتی اتفاق می‌افتد. مجید از بدو تاسیس خانه کودک با بچه ها بوده و به خیلی چیزها از جمله انواع آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها عادت کرده است. اما مونا با تحمل کردن مجید، سگرمه هایش بالا می‌رود. مونا هم سه سال بی‌مزد و منت برای بچه ها کار کرده است. «خاله مونا» خود در دروازه غار بزرگ شده است و فقر را درک کرده است.

مونا می‌گوید: خیلی از غربیتی‌ها نمی‌دانند غربیتی چیست؟ از چند کودک سؤال کردم، جواب دادند: خب، یعنی کسی که درد داره - توی غربته و دلش گرفته - با مونا، مجید و رضا، مددکاران کودک و چند تن از بچه ها به کلاس برمی‌گردیم. علی سیزده ساله صدای خوبی دارد، لس آنجلسی می‌خواند و آرزوی چهار ساله با او می‌رقصد. علی می‌گوید تازگی ازدواج کرده است و زنش از خودش کم سن تر است. افسانه کوچک درد کشیده می‌گوید: تازگی بین آدامس فروشی، گدایی هم می‌کند. احسان یازده ساله است.

بچه ها این جا اسم‌های زیبایی دارند. هیرمند، رشاد، تاریخ، پونه، سونه، مریم گل، لطیفه، ماریا، و میلا. به مونا می‌گویم، با لبخند تلخی جواب می‌دهد: اکثر این بچه ها یا شناسنامه ندارند، یا فروخته‌اند. اسم‌هایشان اختیاری است.

«در شهر بی خیال می‌بالند

در شبکه میرگی پس کوچه و بن بست.

آغشته دود کوره و قاچاق و زرد زخم

قاب رنگین در جیب و تیر کمان در دست

بچه های اعماق بچه های اعماق» (احمد شاملو)

به کلاس مدرسه می‌روم.

- چکار می‌کنی؟

- گل می‌کنم.

معلم توضیح می‌دهد یعنی گل‌ها را پرپر می‌کند برای عطربگیری.

- چقدر مزد داری؟

- هر کیلو ۸۰ تومان.

دخترکان اغلب دوازده ساله‌اند. اما چند پسر بچه خیلی کوچکتر هم هستند که در کلاس راه می‌روند، چرا که بعضی از خانواده های افغانستانی اجازه نمی‌دهند دخترانشان بدون مرد از خانه خارج شوند. دخترک می‌خواند: «من هر چند که زندگی سختی دارم، اما با سعی و تلاش می‌توانم آن را بهتر کنم.»

گزارش مددکار از اتوبوس جمع آوری کودکان خیابانی

بهمن با گریه لباس‌های تمیزش را نشان می‌دهد و می‌گوید خانواده دارد و خیابانی نیست. لیزا، دختر پنج ساله، با چشمان گشاده از وحشت کیفیتش را به دست سربازی می‌دهد که گویا فقط یک کلمه بلد است: «ساکت». لیزا

ساکت است و بهمن ساکت است و فیاض ساکت است.

خانم دولت آبادی، مخالف جدا سازی کودکان از والدین بوده و می‌گوید: از تاریخ ۱۰/۱/۱۳۸۱ تا ۶/۲۲/۱۳۸۲، یازده هزار کودک از ترمینال‌های تهران جمع شده‌اند. مسئولین خانه های کودکان با مسئولان بهزیستی که نهادی دولتی است، اختلاف دارند. مسئولین بهزیستی به مددکاران داوطلب، احساسی می‌گویند و کارشان را قبول ندارند.

معاون اجتماعی سازمان بهزیستی می‌گوید: بیش از ۱۴ هزار نفر در شش ماهه اول سال ۱۳۸۳ از پایانه های تهران جمع آوری شده‌اند. ۹۶/۲ درصد پسر و ۳/۸ درصد دخترند. از این تعداد ۵۵ درصد پسرهای جویای کار، ۲۵ درصد مهمان، ۱۱ درصد فراری، ۸ درصد دست فروش و ۱ درصد لامکان‌اند؛ و دخترها ۳۶ درصد فراری، ۳۴ درصد مهمان، ۱۵ درصد دست فروش، ۱۰ درصد جویای کار و ۵ درصد لامکان‌اند. خراسان با ۱۹ درصد بیشترین آمار کودکان کار و خیابان، تهران ۱۸ درصد، همدان ۸ درصد، لرستان ۶ درصد، و خوزستان با ۵ درصد به ترتیب بیشترین آمار صدور کودک کار و خیابان را داشته‌اند. علی رغم ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۵ سال، در کارگاه های نمور قالبی بافی و کوره پزخانه ها کودکان زیر ۱۵ سال مشغول به کارند. دست مزد کودکان ۳ الی ۴ هزار تومان است.

۲۵ اکتبر ۲۰۰۳، مجله «دانایی»، از ناصر پیوند،

بر اساس آیین نامه اجرایی مدرسه، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۹، مدرسه این گونه تعریف شده است: مدرسه مهم‌ترین نهاد اجتماعی، تربیتی آموزشی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت و رشد متوازی روحی و معنوی و جسمانی آنان برابر با ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش تاسیس و اداره می‌شود.

(بشریت مدرن سالها، از قرون وسطا تا به امروز، امر تربیت دینی کودکان را از دستور مدارس حذف نموده است. مدرسه، دیگر حوزه علمیه و محل پرورش طلاب - حتا در بسیاری از کشورهای اسلامی - هم نیست. اما در کشور اسلامی ایران، از تربیت دینی به عنوان اصلی‌ترین و اولین رکن نهاد مدرسه نام برده می‌شود. مدرسه اساسا محل آموزش علم و دانش، سوادآموزی و تفریح و شادی کودکان باید باشد. تعلیم و تربیتی که در آیین نامه اجرایی مدرسه تعریف شده است، فقط به معنی از بین بردن روح لطیف کودکان و ایجاد مانع برای رشد و شکوفایی آزادانه و علمی آن‌ها و جای گذاری مقادیری موازین خشک مذهبی که در ضمن از حرکات آزادانه بیولوژیک آنان نیز جلوگیری می‌کند، می‌باشد. جمهوری اسلامی، مدرسه را با کلنی‌های تربیت مرید در سکت‌های مذهبی اشتباه گرفته است. س. ب.)

۲۶ اکتبر ۲۰۰۳، «خبرگزاری مهر»،

۱۴ هزار کودک خیابانی از سطح شهر جمع آوری شدند

گروه اجتماعی: معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی اعلام کرد: در شش ماهه نخست سال جاری، ۱۴ هزار و ۳۰۸ کودک خیابانی توسط دفاتر مستقر بهزیستی در پایانه ها و راه آهن و سطح شهر جمع آوری شدند. دکتر علم الهدائی در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر با بیان این خبر گفت: از تعداد ۱۴ هزار و ۳۰۸ کودک خیابانی که از سطح شهر جمع آوری شد، ۹۶/۲ درصد پسر و ۳/۸ درصد دختر بوده که از میان پسران ۵۵ درصد برای یافتن کار، ۲۵ درصد مهمان، ۱۱ درصد کودک فراری، ۸ درصد دستفروش و ۱ درصد نیز در خیابان‌ها آواره بودند. وی با بیان این که تمامی کودکان جمع آوری شده زیر ۱۸ سال سن دارند، اظهار داشت: ۵ درصد پسران ۱۹ تا ۲۱ ساله، ۱۶/۶۶ درصد تا ۱۸ ساله، ۲۲ درصد ۱۳ تا ۱۵ ساله، ۱۰/۵ درصد تا ۱۲ ساله و ۲ درصد نیز کمتر از نه سال داشتند. در میان دختران نیز ۱۹ تا ۲۱ ساله ۴ درصد، ۱۶ تا ۱۸ ساله

۵۶ درصد، ۱۳ تا ۱۵ ساله ۲۵ درصد، ۱۰ تا ۱۲ ساله ۸ درصد و ۴ درصد نیز کمتر از نه ساله هستند.

علم الهدائی در خصوص میزان تحصیلات این کودکان گفت: ۴۳ درصد پسران تا مقطع راهنمایی، ۳۰ درصد دبیرستان، ۱۷ درصد ابتدایی، ۸ درصد بیسواد و ۲ درصد دانشجو هستند. و در میان دختران نیز ۳۰ درصد تا دبیرستان، ۲۹ درصد تا مقطع راهنمایی، ۱۸ درصد بیسواد، ۱۷ درصد ابتدایی و ۶ درصد دانشجو هستند. وی ضمن بیان این که بیشتر این کودکان از شهرستانها به تهران آمدهاند، اظهار داشت: استان خراسان با ۲۰ درصد بیشترین تعداد کودکان فراری را به خود اختصاص داده است. و پس از آن تهران با ۱۸ درصد، همدان ۷ درصد، لرستان ۶ درصد، و خوزستان با ۵ درصد در رده های بعدی قرار دارند. هم چنین ۶۰۰ نفر از این کودکان نیز اتباع بیگانه، خصوصا افغانیها، هستند. معاون امور اجتماعی بهزیستی گفت که: از میان این تعداد کودک جمع آوری شده، یازده هزار و هفتصد نفر به خانواده ها و دو هزار و پانصد نفر به ستاد مرکزی کودکان خیابانی «یاسر» ارجاع و هزار و پانصد نفر به خانواده بر گردانده و هزار کودک بی خانواده نیز جهت نگه داری و اقامت طولانی در این مراکز ماندگار شدند.

علم الهدائی در ادامه افزود: ۸۰ درصد کودکان خیابانی کودک کار و دارای خانواده هستند. ۲۰ درصد باقی مانده نیز کودکان ولگردی هستند که در خیابانها پراکندهاند و پس از شناسایی توسط مددکاران در صورت داشتن خانواده به نزد آنها برگردانده می‌شوند. در غیر این صورت، در خانه های تربیت کودکان و نوجوانان، پس از طی سه هفته قرنطینه، به صورت دائمی نگه داری خواهند شد.

۶ نوامبر ۲۰۰۳، روزنامه «جامعه»،

بی توجهی به حقوق کودکان، عدم تدوین، تصویب و اجرای قوانین حمایتی موثر باعث شده است که کودکان در معرض انواع تهدیدها و آزارهای پنهان و آشکار



قرار گیرند. کارشناسان هم چنین فقر مالی، اعتیاد والدین، اختلالات روانی، و طلاق را باعث کودک آزاری می‌دانند. طی یک بررسی ۱۵ ماهه توسط انجمن ملی حمایت از حقوق کودکان در ایران مشخص شده است: ۹۰ درصد از کودک آزاریها از سوس والدین و به ویژه پدر و مادر اصلی کودک صورت می‌گیرد. در بررسی که بر روی ۱۳۵ کودک انجام گرفته، نشان داده شده است: خشونت علیه کودکان ۲۵ درصد توسط پدر و مادر، ۱۹ درصد از سوی هر دو، ۱۸ درصد نامادری، و ۷ درصد از جانب ناپدری بوده است.

خشونت آشکار، ضرب و جرح و شکنجه، نخستین چیزی است که مطابق قانون تمامی موسساتی که به نحوی با کودکان در رابطه‌اند، مانند مدارس، مهد کودکها و بیمارستانها، باید مراتب کودک آزاری را به مراجع قانونی گزارش دهند.

۱۷ نوامبر ۲۰۰۳، روزنامه «اعتماد»،

دخترهایی که از خانه فرار می‌کنند، در خوش بینانه ترین حالت ممکن است از دام فحشا بگریزند. اما در شهر بی ترحم پرسه می‌زنند. گرسنه می‌مانند و تحقیر می‌شوند. «من خیلی وقت است در این شهر بی ترحم دنبال آن نگاه می‌گردم». ۹۰ درصد کودکان خیابانی، صادرات پنج و یا شش شهر عمده کشور هستند. مشکل کودکان و زنان خیابانی هیچ ارتباطی با ماشین‌های حمل زباله ندارد. اما بالاخره در این شهر درندشت، نهاد یا سازمانی باید باشد که به داد آنها برسد. هر از گاهی زنان خیابانی را دستگیر می‌کنند، در بازداشت گاه می‌مانند و هیچ کس تحویلشان نمی‌گیرد. بهزیستی شایعه بیمه این زنان را به شدت تکذیب می‌کند.

۱۷ نوامبر ۲۰۰۳، روزنامه «اعتماد»،

«تو رو خدا یه فال بخر»

کودکان و زنان خیابانی زباله نیستند که شهرداری آن‌ها را جمع کند. مجرم هم نیستند که نیروی انتظامی دستگیرشان کند. آن‌ها دچار فقر اقتصادی معیشتی و تربیتی اجتماعی‌اند. با چنین نگاهی باید دستگاه های مربوطه را مجهز کرد. سمیرا می‌گفت: تو رو خدا یه فال بخر، اگه همه اینا رو نفروشم بابام نمی‌ذاره برم خونه. سمیرا مجبور شد فال نفروخته به خانه برود. از پدری حرف می‌زد که افیون تباحث کرده، مادری که رخت می‌شوید. ساعت ۱۰ شب بود. از خواهر کوچکش می‌گوید که شبها خواب شیرینی می‌بیند.

معاون سابق شهرداری تهران می‌گوید: «مسئولیت کودکان خیابانی و سایر آسیب‌های اجتماعی دیگر منحصر به شهرداری نیست.» و اکنون سازمان‌های قانونی با یال و کوبال مسی با بودجه های کلان کجایتند؟ که سمیرا تا دیر وقت در کوچه فال می‌فروشد.

۲۴ نوامبر ۲۰۰۳، آرشبو روزنامه «ایران»،

«عوامل موثر در گسترش کودکان خیابان، ۳۵ هزار کودک خیابانی در سطح شهر تهران سرگردانند» (این در حالی است که مسئولین امر تعداد کل کودکان خیابانی کشور را تنها ۲۰ هزار نفر ارزیابی می‌کنند! س. ب.)

۲۵ نوامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»،

قتل دختر ۱۲ ساله توسط پدرش: یک مرد میان سال در اقدامی جنون آمیز دختر ۱۲ ساله‌اش را با ضربات کارد به قتل رساند. دختر ۱۶ ساله که به کمک خواهرش شتافت، مجروح شد.

۲۷ نوامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»،

کودک گریان چهار ساله پس از پیدا کردن مادرش در تحریریه «ایران»: چرا تنه‌ایم گذاشتی؟

پدر این کودک را کنار خیابان رها کرده بوده است. مادر می‌گوید: پس از جدایی، کودک را برای من گذاشت. از او خواستم خرجی بدهد، کودک را گرفت و گفت می‌خواهد او را به خانواده‌ای که تمام بچه هایشان به خارج رفته‌اند، بسپارد. اما کودک را گوشه خیابان رها کرد. قرار شده بود بعد از یک هفته آدرس آن خانواده را به من بدهد.

۲۷ نوامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران».

بندر عباس، خانه امن کودکان بی خانمان

حمید، نوجوان پانزده ساله، از خانواده هشت نفره خود می‌گوید که دچار فقرند و اعتیاد دارند و او برای درنیفتادن در چنین ورطه‌ای به الشتر خرم آباد فرار کرده است.

مصطفی، کودک سیزده ساله، که به دلیل ابتلا به «گال» در قرنطینه مرکز نگه داری کودکان خیابانی بندرعباس به سر می‌برد، با شور و شوق خاصی از خاطرات خود پیش از متلاشی شدن خانواده‌اش می‌گوید: از سفر یازده نفره شان با یک ماشین رنوی فسقلی به قول خودش به شمال. آن روزها کسی به او کودک خیابانی پرورشگاهی نمی‌گفت، تا این که پدرش تصمیم به ازدواج مجدد گرفت و طلاق و...

احمد، کودک شیرین زبان هشت ساله اهوازی، از رنج و دل تنگی دوری از مادر می‌گوید. مادری که به جرم حمل مواد مخدر در زندان است. علت تمرکز کودکان خیابانی در بندرعباس را معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی هرمزگان، وجود مناطق آزاد و فشارهای ناشی از آن بر خانواده‌ها، تنوع مشاغل کاذب، و قاچاق کالا و فقر شدید فرهنگی می‌داند. وی با اعلام این که روزانه ۵۰۰ کودک خیابانی در خیابانند، اظهار می‌دارد: آیا به راستی رشد صد در صدی کودکان خیابانی در یک سال نگران کننده نیست؟ واقعیت تلخ این که بیش از ۳۸ درصد کودکان خیابانی مورد انواع آزارهای جسمی، روحی و عاطفی قرار می‌گیرند و این موضوع هیچ حساسیتی در مسئولان آیا ایجاد نمی‌کند؟ او می‌افزاید: این که بنا به گفته مسئولان بیش از ۵۴ درصد از کودکان از افغانه هستند، هیچ کمکی به راه کارهای پیش‌گرمی نمی‌کند.

۱ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران».

یک عروسک گردان که با ربودن دختر هفت ساله‌ای او را پس از اذیت و آزار به قتل رسانده بود، پس از گذشت دوازده سال از ارتکاب جرم به دار مجازات آویخته شد.

۳ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران».

چهار ماه زندان و پنج میلیون تومان دیه برای عامل شکنجه مزده: ناپدری دختر چهار ساله‌ای که او را شکنجه کرده بود، محکوم شد.

۵ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران».

امید نه ساله از مادر شکنجه دیده، به دلیل ضربه مغزی در گذشت. مادر ۳۷ ساله پس از زندانی شدن همسرش به جرم حمل مواد مخدر به آزار کودکانش پرداخته و فرار کرده است.

۸ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران».

گروگان دوازده ساله: ۳۰ روز گروگان قاچاقچیان بودم.

۹ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران».

سه سال حبس به خاطر ربودن دختر دانش آموز.

۹ دسامبر ۲۰۰۳، نشریه «جامعه».

کودکان فقر در چهار راه ها (برکه فروتن)

از چهارراه که می‌گذری، پسر بچه‌ای با دسته‌ای فال حافظ و مرغ عشق بر انگشتش سد راه می‌شود و به اصرار می‌خواهد فالی بخری. تکه کاغذی که بهای آن یک اسکناس صد تومانی است و یک ساعت کلنجار با کودک گستاخ...

پشت هر چراغ قرمزی، خیل عظیمی از کودکان فقر به خیابان می‌آیند!

دخترکان با لباس پاره که دمپایی جای کفش به پا دارند. اسپند دود می‌کنند. پسران خردسالی که آدامس می‌فروشند و گاه گذاری سیگار و روزنامه. از پل عابران پیاده می‌گذشتم، گدایی را که طفلی شیرخواره بر پشت دارد و کاسه‌اش از سکه های ده تومانی و بیست تومانی خودنمایی می‌کند را می‌بینم. سلام می‌کنم، جواب نمی‌دهد. دستی به شانه‌اش می‌زنم و می‌گویم: چرا این کار؟ بغض‌اش می‌شکند. می‌گوید: روزی دو سه نفر از شماها این سؤال را می‌کنید و می‌روید. چرا نمی‌پرسید چه کمکی از دستم بر می‌آید؟

فال فروش

— مدرسه می‌ری؟

— آره، سر تکان می‌دهد.

— کی مشق‌هایت را می‌نویسی؟

— شبها وقت خواب، بعضی وقتام روزا تو پارک یا تو جدول پیاده رو.

— جای زخم و تاول را بر دست‌اش می‌بینم، این چیه؟

— شبها که بابام سیگار و چیزای دیگه می‌کشد، صدام می‌زنه برم پیشش، دستامو بگیرم جلوش تا بسوزونه! آگه نرم کنتم می‌زنه. خودم می‌رم. مامانم یه گوشه می‌شینم و گریه می‌کنم و فحش می‌ده. برادرم هم پیش بابام می‌شینم و با اون می‌خنده.

در نگاه دخترک کینه و نفرت شعله می‌کشد.

بیشتر از نوزده و بیست سال ندارد، روسری زرشکی بسته، چادری بر کمر بسته و کودکی را بر پشت دارد. پدر ندارم، مادرم هم رفته از او خبر ندارم. از وقتی که صاحب‌خونه وسائل مونیو ریخت تو کوچه، رفته پیدایش نیست. پایین قبرستون تو ماشینی‌ای اوراقی زندگی می‌کنیم. تو کلبه‌هایی که پشت ماشینا درست کردیم.

به بچه پشتش اشاره می‌کنم، مال خودته؟

می‌خندد. به من می‌آید که بچه داشته باشم؟ مال یه پیره زنه. ۷، ۸ تا بچه داره. فکر می‌کنی بچه‌ها مال خودشن؟ نه ازشون مواظبت می‌کنه. بابش پول می‌گیره، اونا رو رابط می‌آره. می‌ده کرایه به ما، واسه گدایی. بعضی‌هاشونم می‌فروشن. خانواده پول نداره، می‌فروشه. چند وقت پیش تو محله خود من یکی بچه شو فروخت.

— قیمت یک بچه چقدره؟

— بستگی داره. یه بار یکی اومد بچه شو بفروشه، به اندازه دو سه روز مواد بچه شو فروخت. داشت می‌مرد از خماری.

۱۱ دسامبر ۲۰۰۳، آرشیو روزنامه «ایران»، منبع روزنامه «شرق»

گروه اجتماعی: به طور متوسط هر هفته ۳۵ دختر از خانه می‌گریزند و روزانه یک دختر فراری مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرد

گزارش گرانجمن حمایت از حقوق کودکان که دیروز در همایش آسیب‌های اجتماعی کودکان خیابانی ارائه شد، افزود: ۹۲ درصد کودکان خیابانی در مقطع سنی ۱۴ تا ۱۸ سال، در زمینه رشد جسمی، ذهنی و عاطفی و روانی دچار مشکلات فراوان بوده و ۸ درصد دچار اعتیاد هستند. ۵۰ درصد از این کودکان مبادرت به سرقت، ۴۱ درصد فروش مواد مخدر، و ۸۵ درصد تخریب اموال عمومی کرده‌اند. نتایج

فشار اقتصادی، عامل کودک آزاری

علم الهدائی، کار پیش از موعد کودکان در مزرعه و کارگاه های زیرزمینی و خیابان ها و نیز کودک ربایی را که به منظور انتقام یا اخاذی از والدین است، از مصادیق عمده کودک آزاری عنوان می کند. بنا به یک قاضی دیوان عالی کشور که عضو هیات علمی دانشگاه هم هست: کمبود قوانین علیه کودک آزاری یک دلیل وجود کودک آزاری است. در قانون ما موارد مبارزه با کودک آزاری آورده شده است، اما کودک آزاری از خارج توسط غریبه ها، نه پدر و مادر.

۱۵ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «جامعه»،

کودک ربایی، تلخ ترین حادثه برای خانواده ها

گروه اجتماعی: در خبرها آمده بود: شخصی در تبریز دستگیر شده که اقدام به ربودن و آزار جنسی ۲۳ دختر کوچک کرده است. هم چنین در مرودشت فارس مردی به جرم ربودن و تجاوز به ۴۶ دختر دستگیر شد. وی به اعدام محکوم گردید. در مشهد مردی که عنوان کرد مرد عنکبوتی نام دارد، به جرم تجاوز به هفت دختر بچه تحت تعقیب است.

سید محمد رضوی، نماینده مردم یزد و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، می گوید: یکی از مهم ترین و ارزش مندترین نهادهای جامعه، خانواده است که در طول تاریخ بشری برای حفظ و بقای انسان تشکیل شده است. وی ادامه می دهد: چرا باید کودکان هفت و هشت ساله آن قدر رها شوند که ربوده گردند. وی هم چنین می گوید: درآمدهای خانواده ها نمی تواند پاسخ گوی انتظارات آنها باشد، به طوری که یکی از راه های اغفال و فریب فرزندان ما هم همین مساله است. باقر کرد، نماینده مجلس، می گوید: باید توجه داشت که ضریب امنیت عمومی جامعه میل به سویی پیدا کند که کمتر شاهد بروز چنین وقایع تلخی باشیم. باقر کرد، نماینده زاهدان، خواستار قدرت بیشتر پلیس شد. وی گفت: چرا فردی بعد از ده، یازده مورد تعرض و تجاوز به کودکان باید دستگیر شود؟

۱۵ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «اعتماد»،

نتایج یک تحقیق گویای این واقعیت است که خشونت علیه کودکان در بین تمامی طبقات جامعه کم و بیش رواج دارد، چه خانواده های کم درآمد با سطح سواد پایین، چه افراد تحصیل کرده و مرفه. بنابراین، تضاد در خانواده را می توان بستر اصلی خشونت علیه کودکان تهرانی شمرد.

۱۵ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»،

ماجرای کودک آزاری یک دختر چهر و نیم ساله در رباط کریم: مژده کوچولو یک قربانی دیگر! زن پس ۲۰ سال نازایی مژده را از پرورشگاه قبول کرده بود و همسر صیغه اش مژده را شکنجه می داد و کتک می زد. بر بدن مژده آثار شکنجه فراوان از سوختگی تا زخم وجود دارد.

۱۵ دسامبر ۲۰۰۳، نشریه «گزارش»،

«گذری به میدان تجریش، کودکان، گدایان و...»، «بیخ زدگی های شمالی ترین میدان تهران»

این جا تجریش است، شلوغ اما سرد. مثل یک قالی کهنه که هر کسی نقشی بر آن زده، بی قید و بند! هیچ وصله ای با وصله دیگر جور نیست، اما همین است که هست. این جا برای این دخترک بی عروسک، صبح «معصومیت آغاز» در برکه های زلال تبدیل به مرداب می شود.

خیابان پر است از آدمهایی که دست و پای معلول شان را نشان می دهند و با گریه و التماس، پولی گدایی می کنند. آزار دهنده تر از گدایی، کودکان پنج تا هفت ساله اند که در هوای سرد با لباس های نازک و مندرس و دمپایی های سوراخ

این تحقیق نشان می دهد که ۵۰ درصد از کودکان خیابانی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند. گفته می شود که رشد جسمی این کودکان نیز به شدت آسیب دیده است. به گونه ای که ۸۴ درصد مبتلا به کم خونی، ۸۰ درصد کاهش قد، ۸۶ درصد کاهش وزن، ۷۷ درصد بیماری های دهان و دندان، ۷۳ درصد بیماری های چشم، ۶۱ درصد بیماری های تنفسی، ۶۴ درصد بیماری های قلبی، ۸۲ درصد بیماری های پوستی و ۶ درصد مبتلا به بیماری های گوارشی بوده اند. هم چنین در بخشی از این گزارش که وضعیت تحصیلی کودکان خیابانی را مورد تحقیق قرار داده، ۵۶ درصد کودکان بیسواد بوده اند. ۱۱ درصد کودکان مورد مطالعه، درآمد ماهانه ای کمتر از ۳۰ هزار تومان داشته اند. ۲۸ درصد ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان، ۲۳ درصد ۵۰ تا ۸۰ هزار تومان، ۱۶ درصد ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان، و ۹ درصد بالای ۱۰۰ هزار تومان درآمد داشته اند. ۲۶ درصد از کودکان مورد مطالعه بین چهار تا شش ساعت، ۳۵ درصد بین شش تا ده ساعت، و ۲۴ درصد بیش از ده ساعت در روز کار می کنند. بر اساس نتایج این تحقیق، ۵۶ درصد از کودکان خیابانی پدر و مادر داشته و با خانواده های پنج تا هشت فرزندی زندگی می کنند. در ادامه این همایش، پرفسور محمد حسین فرجاد، آسیب شناس روانی اجتماعی و استاد دانشگاه، اظهار داشت: من روند افزایش کمی آسیب های اجتماعی را «هراس اجتماعی» نام گذاری کرده ام.

وی به ترتیب، اولویت آسیب های اجتماعی که پیکره سلامت روانی اجتماعی جامعه را به خطر می اندازد، مسایل کودکان، نوجوانان و جوانان، اعتیاد، طلاق و زنان خیابانی بر شمرد. وی گفت: «در حال حاضر، ۱۱۴ موضوع به عنوان آسیب اجتماعی توسط قضات و مراجع قضایی در دست بررسی است.» وی با اشاره به این نکته که در تحقیق پیرامون کودکان خیابانی، در موارد بسیاری برای گفتگو با این کودکان کنار پیاده روها و در کنار این کودکان نشسته و با آنان صحبت کرده است، گفت: «من در صحبت با بعضی از این کودکان چنان متاثر شده ام که گفتگو قطع شده است، به خصوص وقتی مشاهده کرده ام که اغلب این کودکان از چنان هوش بالایی برخوردارند و تصور کرده ام که اگر این کودکان در شرایط مناسب و در یک خانواده مرفه زندگی می کردند، به چه مدارج و پیش رفت علمی دست می یافتند. در موارد بسیاری شاهد بودم که این کودکان در ساعت تعطیل مدارس دچار غم و اندوهی می شدند که چرا نمی توانند به مدرسه بروند.»

۱۴ دسامبر ۲۰۰۳، روزنامه «ایران»

وقتی که خانه شکنجه گاه کودک می شود

به روی پیکر نحیفش آثار کبودی و سوختگی به وفور به چشم می خورد. صورت معصوم و رنگ پریده، بدنی لاغر و رنجور، چشمانی سرد و بی فروغ، همه حکایت از زخمی عمیق بر جسم و روح لطیفش دارد. به راستی این کودکان باید تاوان کدامین گناه را بپردازند؟ با نگاهی به تیتیر روزنامه ها می توان متوجه درصد رو به افزایش کودک آزاری در جامعه شد. وضعیتی که نه در خارج از خانواده، بلکه در خانه که باید محل آسایش و آرامش فرزندان باشد، رخ می دهد.

بر اساس یک گرایش فکری تربیتی نادرست در ایران بیش از ۵۰ درصد والدین در خانواده ها معتقدند که تنبیه به عنوان یک ابزار تربیتی برای کودک لازم است. و ۴۰ درصد والدین به تنبیه بدنی گرایش دارند.

بچه های طلاق، قربانیان کودک آزاری

دکتر سیدمحمد حسن علم الهدائی اظهار می دارد: ۶۶ درصد کودک آزاری ما در کشور ایران از سوی مردان اعمال می شود و دختران بیش از پسران در معرض این کودک آزاری قرار دارند. هم چنین ۲۵ درصد کودک آزاری ها در خانواده های طلاق اتفاق می افتد.

که انگشت‌هایشان بیرون افتاده، از میدان تجریش تا میدان قدس راه می‌روند. پسر بچه ضرب می‌زند، یک ضرب کهنه و بد صدا دارد. پسر بچه پنج ساله هم یک جعبه مقوایی کفش دست‌اش است که پول‌های جمع شده را در آن می‌ریزد. دست‌هایش به جعبه یخ می‌زند. این تنها مورد آزار دهنده نیست. در هر کیلومتر، یک یا دو کودک را می‌بینی که مشغول گدایی‌اند، یا آدامس و چسب زخم می‌فروشند. کودکی گوشه‌ای نشسته و گریه می‌کند، از سرما، از این که چرا کسی به او این قدر پول نمی‌دهد که به خانه برگردد. معصومه کوچک با مقنعه سفید و گلی گوشه مو، هر روز به من آدامس می‌فروشد. صبور و آرام است، نگاهش مثل زن میان سالی است.

۲۳ دسامبر ۲۰۰۳، آرشیو روزنامه «ایران»، منبع «مردم سالاری».

نگاهی به معضل کودکان کار خیابانی: آینده‌ای مبهم در انتظار نان آوران کوچک خانه

خبرگزاری مهر: ۶-۵ ساله به نظر می‌رسید، دست‌های کوچک‌اش هیچ شباهتی به دست‌های ظریف هم سالانش نداشت. لباس‌های بزرگتر از اندازه‌ای که به تن کرده و بسته آدامسی که به دست داشت، معصومیت صورتش را چند برابر کرده بود. جلوی رهگذران را می‌گرفت و تا آدامسی را از او نمی‌خریدند، رهایشان نمی‌کرد. آخرین بسته آدامس را هم که فروخت، همان وسط خیابان بسته خالی را روی سرش گرفت و بی توجه به نگاه‌های اطرافیان از ته دل خندید.

۵-۴ ساله است، تا آدامسی از او نخری، رهایت نمی‌کند. ۶-۵ ساله است، فال می‌فروشد. ۷-۶ ساله است، دعا می‌فروشد. ۸-۷ ساله است، شیشه خودروها را پاک می‌کند. دعوهایشان مثل تمام کودکان هم سن و سال خود بر سر یک دانه شکلات و یا یک اسباب بازی زیبا که در ویتترین مغازه دیده‌اند، نیست. دعوهایشان سر مساله مهم‌تری مثل پول است. سر یک لقمه نان، سر معاش. عده‌ای معتقدند که برای تمیزی و زیبایی چهره شهر باید این نان آوران کوچک را از سطح شهر جمع کرده و در مراکز مخصوصی نگه داری کرد. غافل از این که بر اساس بررسی‌های کارشناسان بیش از ۸۰ درصد این کودکان دارای خانواده هستند. خانواده‌هایی که برای امرار معاش و گذران زندگی کودکان خود را به کار در خیابان وادار می‌کنند.

آمار دقیقی از تعداد کودکان خیابانی در کشور وجود ندارد. بیش از ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی و کار در جهان وجود دارد که درصد قابل توجهی از آن‌ها متعلق به کشورهای عقب مانده یا در حال توسعه هستند. اما این که سهم کشور ما از این ارتش چند میلیونی چقدر است، به درستی مشخص نیست. اگر بخواهید به حرف‌های تکراری مانند: خیابان‌ها پر از بچه‌های دست فروش شده و یا تعداد این‌ها هر سال افزایش پیدا می‌کند و... گوش کنید، هیچ کس به شما کمکی نخواهد کرد، حتی سازمان بهزیستی که خود را متولی جمع آوری این کودکان می‌داند، ارائه هر گونه آمار دقیق در این زمینه را به دلیل شناور بودن این اطلاعات غیر ممکن دانسته و می‌گوید: نه تنها بهزیستی، بلکه هیچ ارگان و نهادی در کشور نمی‌تواند ادعا کند که از آمار دقیق کودکان کار و خیابانی اطلاع دارد.

۵۰ درصد کودکان خیابانی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند

دکتر فاطمه قاسم زاده، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، تحقیقی در خصوص کودکان کار و خیابانی انجام داده است. او می‌گوید: ۹۲ درصد کودکان خیابانی بین چهارده تا هجده سال در هر چهار زمینه رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی دچار مشکلات فراوان هستند. ۸۹ درصد آنان از نظر رشد عاطفی و روانی دچار احساس کم ارزشی، ۴۰ درصد دچار حسادت، ۵۸ درصد انتقام جویی و خصومت، ۵۲ درصد بی ثباتی و بی قراری، ۸۰ درصد بی اعتمادی به دیگران، ۵۰ درصد بدبینی و منفی‌گرایی، ۴۵ درصد افسردگی، ۵۴ درصد اضطراب، ۸۴

درصد احساس ناامنی و ترس و ۷۷ درصد دچار بحران هویت هستند. وی افزود: کودکان خیابانی حاصل فقر و محرومیت و اغلب تولیدات استان‌های فقیر و محروم هستند که به تهران صادر شده‌اند و لذا اگر به جای آن که در مقصد صدورشان به فکر حل مشکلات آن‌ها باشیم، به مبدای تولیدشان بازگشته و شرایط پدید آمدن آن‌ها را از میان برداریم، به شناخت واقعی علت‌های این معضل نزدیک شده‌ایم و راه کارهای به دست آمده از این شناخت اصولی‌تر و کارآتر خواهد بود.

سید حسن علم‌الهدائی، معاون بهزیستی، با بیان این که آمار کودکان خیابانی نیز مانند سایر آسیب‌ها هر سال با رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی مواجه است، اظهار می‌دارد: وقتی در حدود ده میلیون فقیر مطلق و نسبی در کشور داشته باشیم، یعنی در حدود ۱۵ تا ۱۷ درصد جامعه فقیرند. وی می‌افزاید: به اندازه کافی قانون ممنوعیت کار کودکان وجود دارد. اما آن چه این قوانین را ناکارآمد کرده، عدم ضمانت اجرایی آن است.

رئیس انجمن حمایت از کودکان نیز با بیان این که کودکان کار خیابانی با آن چه که ما هر روز در خیابان‌ها می‌بینیم، به معنی واقعی متفاوت است، اظهار می‌دارد: کودکان کار واقعی آن‌هایی هستند که معمولاً در کارگاه‌های زیرزمینی و یا در کوره پزخانه‌ها، کارگاه‌های قالی بافی و گلیم بافی، یا در کارخانه‌های اسباب بازی سازی جنوب شهر و در بدترین شرایط در ازای هفته‌ای شش روز و روزانه هشت ساعت کار، درآمد ماهانه آن‌ها به دو هزار تومان هم نمی‌رسد. و این‌ها کودکان واقعی کار هستند.

۳۱ دسامبر ۲۰۰۳، آرشیو روزنامه «ایران»، منبع روزنامه «انتخاب»

معاون وزیر کار و امور اجتماعی در گفتگو با «انتخاب» اعلام کرد: «جزئیات قانون جدید جلوگیری از کار نوجوانان در ۲۳ شغل سخت و زیان آور مشخص گردید. خواجه نوری گفت: اشتغال نوجوانان پانزده تا هجده سال در کارهایی مانند معدن، دباغی، سم پاشی باغات، جوش کاری، حفر چاه، نانوايي، بیمارستان و... ممنوع شد. متخلفان از این قانون به حبس و جریمه نقدی محکوم می‌شوند.»

گروه اقتصاد: «آیین‌نامه اجرایی قانون منع کار برای افراد و کودکان دارای سن پانزده تا هجده سال تصویب و به زودی ابلاغ می‌شود.»

محسن خواجه نوری، معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، با بیان این مطلب به خبرنگار اقتصادی «انتخاب» گفت: «پس از پیوستن ایران به مقاله نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار، این سازمان کودکان بین پانزده تا هجده سال را از انواع مشاغلی که سلامتی افراد را به خطر می‌اندازد، منع کرد. بنابراین، به دلیل عضویت ایران در سازمان بین‌المللی کار، لایحه‌ای تدوین و به تصویب دولت و مجلس شورای اسلامی رسید که بر اساس آن ۲۳ نوع شغل سخت و زیان آور کشور برای افراد دارای پانزده تا هجده سال ممنوع شد.» وی افزود: «کار در معدن، تونل‌ها و معادن تحت الارض، کارگاه‌های دباغی، سالامبور سازی، روده پاک کنی، مخازن سر بسته، کنار گنداب رودها، محل دفن زباله‌ها، سم پاشی باغات، غواصی، محیط‌های پر سر و صدای بیش از حد مجاز، و عملیات جوش کاری برای این گروه سنی یاد شده ممنوع شده است.» به گفته وی، «کار بر روی خطوط و پست‌های انتقال برق با فشار ۶۳ کیلووات، شن پاشی، پخت آسفالت دستی، قیر و مالش پاشی، وسایل دارای ارتعاش بالا، حفر قنوات و چاه‌ها و فاضل آب‌ها و تونل‌های زیر زمینی، کارهایی که استمرار آن سبب ابتلا به بیماری حاصل از اشعه شود، کار در بیمارستان‌ها، نانوايي و هر نوع کاری که سلامتی و تندرستی فرد را به مخاطره می‌اندازد، در قانون مزبور برای سنین پانزده تا هجده سال ممنوع شده است.»

تصویب این طرح خود نشان دهنده اشتغال تاکنونی کودکان به مشاغل نام برده در سطح وسیعی در ایران بوده و خبری از تصویب نهایی این قانون کماکان در



و ۲۰۶ هزار و ۱۳۶ نفر اعلام کرد، حدود پنج میلیون و ۱۸۱ هزار و ۲۳۵ نفر از امکانات تحصیلی محروم بودند. در گروه های سنی ده تا چهارده ساله حدود ۳۶۸ هزار و ۳۱ کودک شاغل بوده و ۳۶۶ هزار و چهار صد و ۷۵ کودک از نظر شغلی وضعیت مشخصی نداشته‌اند. در گروه سنی پانزده تا نوزده ساله نیز حدود یک میلیون ۴۵۷ هزار و ۱۴۹ نفر شاغل ذکر شده‌اند که بیش‌تر آن‌ها در بخش‌های صنعت، کشاورزی، خرده فروشی، حمل و نقل و تعمیرات مشغول به کار بوده‌اند. البته در این آمار به کودکان خیابانی و مشاغل کاذب و سایر کودکانی که هم زمان با تحصیل به طور نیمه وقت کار می‌کنند، و بخش عمده‌ای را نیز شامل می‌شوند، اشاره‌ای نشده است. تاسف بار این که بخش قابل توجهی از این کودکان شناسایی نشده‌اند. و غیر از حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار دختر ده تا نوزده ساله که ازدواج کرده‌اند و خانه دار هستند، بقیه در مزارع و کشتزارها، کارگاه های تولیدی کوچک خانوادگی و خصوصی، قالی بافی، خرده فروشی و

کور پزخانه ها کار می‌کنند. (به نقل از زهره خوش نمک، روزنامه «جامعه» شنبه پنجم اردیبهشت ۱۳۷۷، (۲۵ آپریل ۱۹۹۸) _ ۵۰۰ هزار کودک ایرانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند. نماینده صندوق سازمان ملل متحد در ایران، گفت: ۱۴ درصد کودکان در ایران هنوز کار می‌کنند. و میزان ابتلای دختران و زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله افزایش پیدا کرده است.

هشتاد و هفتمین سال اجلاس «سازمان جهانی کار»، به مناسبت کار کودکان

در ایران یک میلیون و ۸۰ هزار کودک به کار اشتغال داشته‌اند. و همان گونه که یکی از کارشناسان وزارت کار و امور اجتماعی در مصاحبه‌ای با روزنامه «جامعه» در ۵ اردیبهشت ۷۷، شماره ۵۰ (۲۵ آپریل ۱۹۹۸) اعلام نموده است، امکان نظارت و بازرسی به خاطر کمبود نیروی انسانی عملاً مقدور نیست.

بنا به گزارش دفتر نمایندگی «یونیسف» (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) در ایران حدود ۱/۳ درصد کودکان بین سنین شش تا چهارده به کار اشتغال دارند و به مدرسه نمی‌روند، این رقم برای مناطق شهری ۲/۴ درصد و برای مناطق روستایی ۰/۵ درصد است. هم چنین در مناطق روستایی بیش از ۱۰ درصد دختران و ۱۷ درصد پسران بیش از هفت ساعت در روز کار می‌کنند. و در نتیجه فرصت پرداختن به هیچ نوع فعالیت آموزشی را ندارند. در گروه های سنی ده تا چهارده سال، تعداد دخترانی که در خانه یا برای کسب درآمد مشغول به کارند، دو برابر پسران است. در مناطق روستایی، تعداد دخترانی که از این گروه سنی درآمدی به خانه می‌آورند و یا در خانه کار می‌کنند و به مدرسه نمی‌روند، سه برابر پسران است. (به نقل از احمد آملی، روزنامه «خرداد»، سه شنبه ۲۵ خرداد (۱۵ ژوئن ۱۹۹۹).

دست نیست. علاوه بر آن، ضمانت اجرایی این قانون با ضعف قانون کار در بند ۸۲ که در امور کارگاه های خصوصی‌ای که از طرف والدین اداره می‌شود دخالت نمی‌کند و در واقع است شمار کودکان را در این زمینه ها آزاد می‌گذارد، نه تنها برای کودکان پانزده تا هجده سال، بلکه کودکان زیر پانزده سال هم وجود ندارد. س. ب.)

گوشه هایی از متن سخن رانی محمد رضا عاشوری، جامعه شناس، در همایش خانه هنرمندان _ برگزار شده توسط انجمن حمایت از حقوق کودکان _:

از هر چهار ازدواج یک ازدواج در تهران به طلاق منجر می‌شود؛
 _ در سال بیش از شش هزار کودک از خانه فرار می‌کنند، تنها یک سوم از آن‌ها را یعنی ۲۰ هزار نفر را نهادهای دولتی می‌توانند جمع آوری کنند؛
 _ در زمینه انحرافات جنسی نوجوانان نیز آمار بیانگر آن است که «فحشا» در بین جوانان از جمله دانش آموزان دختر ۶۳۵ درصد بالا رفته است. روزنامه «ایران» (۱۳۷۹/۶/۱۵)؛

و با عنایت به این که به طور متوسط هر هفته ۳۵ دختر از سراسر ایران از خانه می‌گریزند، روزانه یک دختر فراری مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرد. روزنامه «ایران» (۱۳۷۹/۱۱/۱۷)؛

_ گرچه تنها ۷۸۰ کودک و نوجوان زیر هجده سال به دلیل ارتکاب به جرایم مربوط به مواد مخدر در زندان‌های کشور هستند، اما فقط در مقطع دبستان حدود هزار کودک در عمل خرید و فروش مواد مخدر هستند. روزنامه «ابرار» (۱۳۸۰/۱/۲)؛
 _ روزانه حدود ۵۰۰ هزار نفر از جوانان کشور به جرگه معتادان می‌پیوندند. روزنامه «ایران» (۱۳۸۰/۲/۳۱)؛

_ یک میلیون از دو میلیون معتاد قطعی زیر هجده سال دارند. روزنامه «رسالت» (۱۳۸۰/۶/۱۷)؛

_ بیش از ۵۰ درصد از معتادان کشور را دانش آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان تشکیل می‌دهند. روزنامه «ایران» (۱۳۸۰/۶/۱۷)؛

از زبان آمار

_ آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ می‌گوید: نه میلیون و ۸۰۰ هزار و ۶۷۶ نفر از جمعیت کشور ایران بین سنین ده تا سیزده ساله هستند که از این تعداد یک میلیون و ۸۶۰ هزار و ۱۳ نفر از امکانات تحصیلی محرومند. بنا به آمار وزارت آموزش و پرورش در همان سال تحصیلی که تعداد دانش آموزان را از سن ۶ تا ۱۹ سالگی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان) ۱۷ میلیون



«یونیسف» برای کودکان بم، شبه مدرسه بر پا می‌کند

دکتر حمید مرعشی مسئول ارتباطات سازمان حمایت از کودکان (یونیسف) در این رابطه گفت: هم اکنون بیشترین نیرو برای نجات مصدومین و ردیابی زیر آوار ماندگان به کار گرفته شده است.

یونیسف خواهان یک کمک یک میلیون دلاری برای نجات کودکان مصیبت زده شهر بم شده است. یونیسف طی اطلاعیهای اعلام کرد: ده ها هزار نفر کودک بی خانمان شده‌اند. در این اعلامیه آمده است: «هوا در شب به زیر صفر می‌رسد. و کودکان در حال حاضر چیزی به جز لباس‌هایشان ندارند.» بنا به این اعلامیه، یونیسف در حال خرید ده هزار دست لباس چکمه و دست کش است.

دو باند سرقت از نوع دوستی و کمک‌های مردم که یک روز پس از حادثه بم، کمک‌های نقدی را سرقت می‌کردند توسط ماموران دستگیر شدند. این افراد برای فریب دادن مردم، قبض‌های ۵۰۰ و ۱۰۰ تومانی نیز چاپ کرده بودند.

رهایی پسر بچه از چنگال گروگان‌گیران: این بچه در راه مدرسه ربوده شده و برای آزادی او ده میلیون تومان پول خواسته بودند.

نزدیک یک سال از طرح جمع آوری کودکان خیابانی سپری شد. کودکان کار در محیط‌های بی بهره از آموزش

گلناز اطهاری: نامش خداداد است. دو ماه بعد از چشم‌گشودن به دنیا، بچه طلاق نام می‌گیرد. در خانه پدر بزرگش، تا دم مرگ وی، زندگی می‌کرده است. از سن شش سالگی کودک خیابانی نام می‌گیرد. از نزدیک که به چشمانش نگاه می‌کنی، می‌فهمی که مدت‌هاست اشک در چشمانش خانه کرده. هنگامی که به آرامش او پی می‌بری، شاد می‌شود، اما چشم که بر هم می‌گذاری، از اعتیادش سخن می‌گویی. او سیزده سال دارد. سعید و کاظم و میلاد هم از دوستان خداداد یا به قول او برادران اویند. کودکان فقر معتادند. بین شش تا هجده سال دارند. این کودکان دسته جمعی کودکان خیابان نام گرفته‌اند، هر چه می‌خواهی صدایشان کن، آن‌ها اسم‌های متعددی دارند.

طرح جمع آوری کودکان خیابانی

به دنبال «طرح جمع آوری کودکان خیابانی» در اواخر سال ۱۳۸۱، ستادی مستقل به نام سامان دهی کودکان خیابان در مرکز «یاسره» تشکیل می‌شود. کودکان خیابان از طریق پایانه‌ها جمع آوری و کادر نیروی انتظامی همراه با گروه مددکاران سازمان بهزیستی، از سطح شهر تهران، به این مرکز فرستاده می‌شوند. بررسی وضعیت شان از طریق کادر پزشکی، مددکار و کارشناس آسیب‌ها، صورت می‌گیرد.

«کودکان خیابانی» از منظر فقر خانوادگی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول کودکانی هستند که با رضایت خود و خانواده برای تامین نیازهای خانواده به کارهایی نظیر آن چه هر روز می‌بینیم، روی آورده‌اند. دسته دوم کودکانی هستند که به هر دلیل از خانه فرار کرده‌اند و یا پدر و مادر و اصولاً سر پناهی ندارند و یا خانواده‌هایشان پذیرایشان نیستند. اینان گروهی هستند که خیابان را به عنوان خانه خود تلقی می‌کنند.

قاسم چهارده سال دارد. مادرش را سال پیش از دست داده و پدر معتادش از خانه

بیرونش کرده است. مادر بزرگش سرپرستی او را به شرط ترک تحصیل و کار به ازای هفته‌ای پنج هزار تومان قبول کرده است. پس از سه ماه کار، پول از مادر بزرگ طلب می‌کند، مادر بزرگش با قاشق داغ دستش را می‌سوزاند. او از خانه مادر بزرگ فرار می‌کند، در سطح شهر پرسه می‌زند تا نیروی انتظامی او را به قرارگاه «یاسره» منتقل می‌کند.

کیهان ضیائی، کارشناس آسیب‌های سازمان بهزیستی، در مورد قاسم و برادرانش می‌گوید: کودکان پس از انتقال به مرکز یاسره حداقل دو روز تحت قرنطینه قرار می‌گیرند. در این مدت، روان‌پزشکان و مددکاران وضعیت خانوادگی آنان را بررسی می‌کنند. گروهی که خانواده دارند و خانواده‌هایشان پذیرایشان هستند، به خانه برمی‌گردند. گروهی که به بزهکاری مشکوک بوده، به کانون اصلاح و تربیت تحویل داده می‌شوند، گروهی که سن کار دارند را به فراوانی دو مرکز در سطح تهران می‌فرستند و گروهی را که سن کار ندارند و خانواده‌هایشان نیز به دلیل فقر مادی و معضلات اقتصادی پذیرایشان نیستند، به خانه‌های ننگه داری از کودکان خیابان به فراوانی دو مرکز در سطح تهران منتقل می‌کنند.

میر محمدی، مددکار بهزیستی در خانه ننگه داری از کودکان خیابانی، می‌گوید: پسران بر حسب قرارگیری در دو گروه سنی شش تا دوازده ساله و دوازده تا هجده سال به خانه ننگه داری آورده می‌شوند. وی معتقد است اکثر کودکانی که از سطح شهر جمع آوری می‌شوند، به بزهکاری و اعتیاد سوق پیدا کرده‌اند و بندرت خانواده‌هایشان مسئولیت ننگه داری آنان را می‌پذیرند. وی درصد ضریب هوش و یادگیری آن‌ها را محدود می‌داند و اکثریت شان را بیسواد یا کم سواد می‌خواند.

میر محمدی، ظرفیت مرکز را سی نفر اعلام کرده می‌گوید: بیش از این تعداد نباید باشد. در مرکز ننگه داری، امکانات بازی کودکان، دو اتاق ۱۲ متری است، یک میز پینگ پنگ، دو فوتبال دستی!

از یکی می‌پرسیم: به تو چه آموزشی داده‌اند؟ و تو به دیگران چه آموخته‌ای؟ می‌گوید: نه چیزی یاد گرفته‌ام، نه چیزی یاد داده‌ام.

— چه مدت این جا آمده‌ای؟

— دو ماهی می‌شود.

— دوست داری از این جا خارج شوی؟

— خالهام منتظر فرصتی است که من از این جا فرار کنم و مرا پیش خود ببرد. او مرا خیلی دوست دارد.

از جای خوابش می‌پرسیم، می‌گوید: ۲۵ نفری در یک اتاق با تخت دو طبقه می‌خوابند. روزها به مدرسه می‌رود و بعدازظهرها کار خاصی ندارد.

انجمن حمایت از حقوق کودکان به طرح جمع آوری کودکان اعتراض کرده و گفته است: بدون کارشناسی صورت گرفته است و اکثر کودکان جمع آوری شده متکدی نیستند.

آمار کودکان بنا به یک مددکار، طی شش ماه ۱۷۲۸۵ کودک بوده است که ۱۵۷۱۷ نفر پسر و ۵۶۵ نفر دختر هستند.

۲۵ درصد کودکان بین چهار تا شش ساعت ۳۵ درصد، بین شش تا ده ساعت ۲۴ درصد و ۱۰ ساعت به بالا در روز کار می‌کنند. ۸۳ درصد آنان با خانواده‌هایشان بوده و ۵۴ درصد آن‌ها درآمد خود را صرف خانواده‌هایشان می‌کنند. ۵۶ درصد آن‌ها پدر و مادر داشته و اعضای خانواده‌شان بین پنج تا هشت نفر می‌باشد.

یک کارشناس اجتماعی از دست فروشی، قاچاق، مبادله جنس، تن فروشی، واسطه‌گری به عنوان گونه‌های مختلف فعالیت کودکان کار نام برده. از آن جا که این کودکان به دلیل سن کم‌شان کمتر برای پلیس جلب توجه



می‌کنند، طعمه های خوبی برای باندهای مافیایی یا حتی خانواده هایشان در امر توزیع مواد مخدر هستند. این آسیب شناس به سوء استفاده جنسی از کودکان در خانواده اشاره کرده و معتقد است، بسیاری از کودکان کار خیابانی، بخصوص دختران، مورد سوء استفاده جنسی توسط ناپدری یا حتی پدر خود قرار گرفته‌اند. و از آن جا که فرد آسیب رسان جلوی چشم آن‌ها در خانه است، به خیابان روی می‌آورند.

حدس می‌زنیم ۲۰ هزار کودک خیابانی داشته باشیم!؟

اهمین گزارش گفته است که از سطح تهران در شش ماه، ۱۷۱۷۶ کودک خیابانی جمع آوری شده است، پس چگونه کل این کودکان بیست هزار نفرند؟ اظهارات این کارشناس و سایر صحبت‌های مشابه از سوی به اصطلاح کارشناسان سازمان دولتی بهزیستی، کتمان واقعیت، طفره رفتن دولت از مسئولیت‌اش در مقابل کودکان و خانواده های کارگری و کم درآمد و زیر پا گذاشتن کنوانسیون حقوق کودک و سایر پیمان نامه ها، از جمله پیمان نامه ممنوعیت کار خیابانی به عنوان یکی از اشکال کار پر مخاطره که کنوانسیون ۱۸۹ سازمان جهانی کار نام دارد و در سال ۱۹۸۹ به دنبال رژه جهانی کودکان علیه کار پر مشقت صورت گرفت و جمهوری اسلامی ایران هم آن را امضا نموده است، می‌باشد. گذاشتن تمامی مسئولیت این درد و رنج به عهده خانواده ها، یا باندهای مافیایی، نگفتن واقعیت و سفسطه‌ای مضحک است. س. ب.)

۱۲ ژانویه، روزنامه «ایران»،

خوشونت در محل کار پسر ۱۶ ساله

پسر نوجوانی که پس از وقوع سرقتی در محل کارش مسئولیت یافته بود تا به صاحب کارش در شناسایی دزد کمک کند، با قمه انگشتان کارگر دیگری را قطع کرد.

۱۶ ژانویه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

پسر ۱۸ ساله‌ای در یک نزاع خیابانی، جوانی را کشت

«منتظر دوستم بوم، دیر کرده بود، از دختر خانمی ساعت را پرسیدم، فکر کرد مزاحم و رد شد. گروهی پسر آمدند و با من درگیر شدند. و من به طور سهوی چاقویی را که برای ترساندن آن‌ها از جیب در آورده بودم به جوان ۲۱ ساله‌ای به نام اسماعیل زد و در همین موقع ماموران آمدند و مرا دستگیر کردند.»

۲۶ ژانویه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

جوانی یک دختر بچه را در بیمارستان ربود. پسر ۲۵ ساله‌ای که قصد ربودن یک دختر سه ساله را داشت، توسط پلیس دستگیر شد.

۲۶ ژانویه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

پسر انتقام جو دختر دانش آموز را ربود و از تهران به شیراز برد. نغمه شانزده ساله در راه مدرسه ربوده شد. پدر امیر، پسر آدم ربا که از مادرش جدا شده بود، با رفتن به خواستگاری نغمه مخالفت کرده بود. امیر تنها خواستگاری می‌رود، جواب رد می‌شوند و نغمه را می‌ریاید.

۲۵ ژانویه ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

محدودیت‌های قانونی از در دفاع از حقوق کارگران جوان

عباس رضائی، کارشناس ارشد حقوق و جزا و جرم شناسی، غالب کارفرمایان سودجو در کارهایی که نیاز به تخصص چندانی ندارد، ترجیح می‌دهند از کارگران نوجوان استفاده کنند که علت آن هم به وضوح روشن است. چرا که:

۱- این گونه کارگران کاملا مقرون به صرفه می‌باشند. به این معنی که کارفرمایان همان میزان کاری که از کارگران متمتع می‌شوند، به همان میزان نیز از کارگران نوجوان بهره مند می‌گردند. با این تفاوت که دست مزد پرداختی به آنان اصلا قابل مقایسه با کارگران بزرگ سال نمی‌باشد.

۲- کارگران نوجوان، کارگرانی چند منظرنند. به این معنی که کارفرمایان جدا از کارهای مورد قرارداد - البته اگر کارفرمایان حاضر به انعقاد قرارداد باشند که البته امری بسیار نامحتمل و ناپیوسته یا توافق را از آن‌ها می‌خواهند - انجام سایر کارهای دیگر را نیز به عهده آن‌ها محول می‌نمایند، مثل کارهای منزل یا انجام کارهای همکاران کارفرما.

۳- کارگر نوجوان به اقتضای سن، سرشار از توان و انرژی هستند. یعنی همان چیزی که کارفرمایان آرزوی آن را دارند. و از سوی دیگر غالبا به دلیل اختلاف سنی که با کارفرما دارند، ناخواسته نوعی ترس و هراس نیز در ضمیر آن‌ها پیدا می‌شود. از این رو، هر گاه کوچکترین کم کاری یا اشتباهی از ناحیه آن‌ها سر بزنند، با یک اخم کردن یا فریاد کشیدن کارفرمایان قالب تهی می‌کنند. پس انرژی فراوان هم راه با اطاعت محض همان کعبه آمال کارفرمایان در ارتباط با کارگران است که به راحتی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. (نکته قابل توجه این است که این کارگران نوجوان، کودکان زیر پانزده سال هستند. س. ب.)

۴- والدین این گونه کارگران به علت مشکل مالی حادی که دارند، علی‌رغم میل باطنی، ناگزیرند فرزندان خود را از پشت میز درس و مدرسه بلند نموده و لباس کار بر تن آن‌ها بپوشانند، به این امید که کمک خرجی برای خانواده باشند. و به دلیل همین مشکل، قدرت، توان و وقت نظارت بر فرزندان خود را ندارند. و به دلیل آگاهی بر چنین اوضاع و احوالی، کارفرمایان از موضع بالاتری نسبت به کارگران قرار گرفته، به راحتی مزایا و حقوق آن‌ها را زیر پا گذاشته و ایشان را از حداقل موجود نیز محروم می‌کنند.

۵- اداره نمودن محل کار کارگر نوجوان، به مراتب راحت‌تر و سهل‌تر و آسان‌تر از محل کاری است که کارگران بزرگ سال در آن اشتغال دارند، چرا

۷ فوریه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد».

کودگانی که از سر فقر به خیابان‌ها رانده می‌شوند

بر اساس آمار، ۲۰ هزار کودک در خیابان‌های تهران روزانه دیده می‌شوند که به تعداد آن‌ها روزی ده نفر اضافه می‌گردد. بر اساس تحقیقی که سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۰ انجام داده، ۹۷ درصد کودکان فاقد شغل‌اند. ۱۳ درصد باقی مانده عمده ترین مشاغل، تکدی گری، پاک کردن شیشه اتوموبیل، گل فروشی، روزنامه فروشی، وزن کشی، ذکر شده است. (این ادعا درست نیست، چرا که حتی خبرهای سایر روزنامه‌ها بر کودک کار بودن این کودکان تاکید داشته و هم چنین یونسف در گزارش سال ۲۰۰ خود ۸۷ درصد کودکان خیابانی ایران را کودکان کار نامیده است. س. ب.)

ادامه خبر: در سال ۱۳۷۷ هیأتی متشکل از دادگستری، بهزیستی، استانداری، نیروی انتظامی، و دایره اطفال، گرد آمدند و «خانه های سبز» و «ریحانه» را بنا کردند (محل نگه داری پسران و دختران خیابانی که در سال ۸۱ از خیابان‌ها جمع شدند) پس از مدتی مسئولین از مسئولیت طفره رفتند و خانه‌ها برجیده شد. در واقع کودکان خیابانی موجودات بدی بودند که کسی پذیرای آنان نبود. کودکان خیابانی از راه گدایی و کارهای غیر قانونی و محرمانه و فاسد مثل توزیع مواد مخدر یا دزدی‌های کوچک، امرار معاش می‌کنند. و با این کار به تدریج حرفه‌ای تر می‌شوند.

دختران خیابانی در سنین پایین از گدایی و «مشاغل کاذب» شروع می‌کنند و هم راه رشد سنی در معرض سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند. کارشناسان انگیزه فرار کودکان خیابانی را چنین برمی‌شمارند که در برخی خانواده‌ها به دلایل سنتی، کودک آزاری وجود دارد. تعداد زیاد بچه و امکانات محدود، کتک زدن و آزار و اذیت، سبب می‌شود تا با سر رسیدن آستانه تحمل کودک، گریز از خانه آغاز شود. هم چنین پدیده کودک خیابانی نتیجه سیاست‌های اقتصادی تورم زایی است که از میانه دهه ۶۰ آغاز شد و هم اکنون نیز ادامه دارد. در واقع، کافی نبودن درآمد خانواده‌های شهری موجبات ایجاد و تکثیر کودکان خیابانی طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ است. روزانه ۲۰ تا ۲۵ کودک خیابانی وارد تهران می‌شوند و بیشترین تعداد مربوط به استان‌های خراسان، کرمانشا، کردستان، و لرستان است.

۱۶ فوریه ۲۰۰۴، آرشیو روزنامه «ایران»، منبع روزنامه «شرق»

«مکانی برای گریستن»، نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی

آرام آرام از میان انبوه جمعیت عبور کرد، وارد اتوبوس شد. با چشمانی پر امید به مسافران خیره ماند. نگاهش لبریز از خواهش و انتظار بود. گونه‌های سرخس حکایت از آن داشت که از نبرد با سرما گریخته. با دستانی که چون کویری خشک هزار چین و چروک به آغوش کشیده، روسری‌اش را گره زده و دسته‌ای از خرمن زار زیبای موهایش را که در تلالو آفتاب می‌درخشید، زیر آن پنهان کرد. لباس گرمی به تن نداشت و سردش بود. با این حال سعی می‌کرد تا از خود ضعف نشان ندهد. کمر شلوارش را بالا کشید. گویی شلوار برایش بزرگ بود، پاچه‌های تا خورده آن که این گونه گواهی می‌دادند، آستین‌های آویزان روپوشش نیز نشان می‌داد که هرگز این لباس نه برای او دوخته شده و نه انتخابی در خریدش داشته، جبه کوچکی را که در زیر بغل داشت در دست گرفت. و با صدایی که معلوم بود می‌خواهد چه روایتی را فریاد کند، شروع کرد:

خانم آدامس و چسب دارم. خانم چسب بخرید دیگه.

— نه نمی‌خوام.

— احتیاج میشه ها!

— نه می‌گم نمی‌خوام.

سعی داشت از کنار مسافرینی که ایستاده بودند عبور کند و خود را به انتهای

که برخورد فیزیکی نمودن با کارگران کم سن و سال که غالباً به صورت ایراد ضرب و جرح می‌باشد، بدل به یک نوع عرف کارگری شده و کارفرمایان معتقدند تا کارگر کتک نخورد چیزی فرا نمی‌گیرد. و جالب این که خود این کارگران و خانواده‌هایشان به دلیل فقر فرهنگی و با وجود تالمتات جامعه اعتقاد راسخ پیدا نموده‌اند.

قانون کار، مبحث نهم از فصل سوم که مشتمل بر مواد ۷۹ الی ۸۴ است را اختصاص به شرایط کار برای نوجوانان داده است که به ترتیب به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

۱- حداقل سن کار

در ماده ۷۹ قانون کار آمده: «به کار گماردن افراد کمتر از پانزده سال ممنوع است.» ولی این ماده با دو استثناء مواجه است که مقرر داشته در مشاغل و کارهایی که ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاص کارآموزان زیان آور است، حداقل سن کار هجده سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزرات کار و امور اجتماعی است. دیگری ماده ۱۸۸ است که به موجب آن اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی و نیز کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آن‌ها منحصراً توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول انجام می‌شود، مشمول مقررات این قانون نخواهند بود.

اما ضمانت اجرای مواد قانون ۷۹ و ۸۴ قانون کار در ماده ۱۷۶ آن تعیین گردیده است که مقرر داشته متخلفان هر یک از مواد مذکور و مواد ۷۹ و ۸۴ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر دفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر یا هر دو در چپتی که دادگاه جایز باشد، نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد که به ازای هر کارگر به ترتیب زیر محکوم خواهند شد:

۱- برای ۱۰ نفر ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ برابر حداقل دست مزد روزانه یک کارگر.

۲- برای ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد یک نفر ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل دست مزد یک کارگر.

۳- برای بالاتر از ۱۰۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل دست مزد یک روز کار کارگر. حداقل دست مزد برابر با مدت زمانی است که کارگر نیرو و وقت خود را به منظور انجام کار در خدمت کارفرما قرار خواهد داد. طبق قانون این مدت نباید از هشت ساعت بیشتر باشد و برای کارگر نوجوان از هشت ساعت در روز نیم ساعت کمتر است. «ترتیب استفاده از این قانون با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد.»

(پر واضح است که کارگران و خانواده‌های فقیر کارگری از موقعیتی برخوردار نیستند که بتوانند بر سر این موضوعات با کارفرما به توافقی که به نفع آنان باشد، برسند. این تبصره در واقع کل محتوی قانون ممنوعیت را زیر پا می‌گذارد. در واقع می‌توان گفت که ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی حریفی برای انجام ندادن و نقض شدن توسط تبصره هایش است. س. ب.)

۴- منع ارجاع کار اضافی، کار شب و کار سخت و زیان آور. طبق ماده ۸۳ قانون کار، ارجاع هر نوع کار اضافی، انجام کار در شب، و ارجاع کارهای سخت و زیان آور برای کارگران نوجوان ممنوع است. در مورد سایر کارگران می‌توانند دارای دو حالت عادی ماده ۵۹ قانون کار باشند. یا حالت اضطراری ماده ۶۰ منظور از کار در شب مطابق ماده‌های ۵۲ و ۵۳ قانون کار، کار بین ساعت ۲۴ تا ۶ صبح است. در مورد کار سخت شبانه، ماده‌های ۵۲، ۶۲ و ۸۲ قانون کار حتی برای کارگران بزرگتر کار اضافی را منع کرده است که متخلفین به مجازات ماده ۱۷۶ محکوم خواهند شد.

اتوبوس برساند. مسافران هم که تمایل نداشتند با او برخورد کنند، با نگاهی که سرشار از آزدگی بود، حرارات چشمان پر فروغش را می‌گرفتند و با رد کردن درخواست‌هایش، همه امیدي را که می‌شد در آن دو دریاچه روشن دید به دست فنا می‌سپردند.

اتوبوس در ایستگاه توقف کرد. پسری سوار شد. گویی برادرش بود، برای او دست تکان داد. پسرک شروع به زدن دَف کرد. معلوم بود که از دَف زنی، فقط تاپ تاپ صدایش را می‌شناخت. با صدایی که غرور و نوشکفته مردانه را در ذهن تداعی می‌کرد، اشعاری را می‌خواند که با لهجه شیرین‌اش فضای قشنگی به آن محیط خسته کننده بخشیده بود. و وقتی که یک آلبوم گلچین شده از خواننده های مختلف را دست و پا شکسته تقدیم حاضران در جمع کرد، دَف را برگرداند و به سوی مسافری حرکت کرد. دستان مردانه‌اش را دراز کرده بود، «کرم تان را شکر»، چیز زیادی عایدش نشده بود و داشت با غم خود کنار می‌آمد که ناگهان یکی از مسافران بدون هیچ علتی فریاد زد: مواظب کیف‌های تان باشید. فضای زیبایی که تا چند لحظه پیش بر اتوبوس حکم فرما بود یک باره حالت تهدیدآمیزی به خود گرفت و هر مسافری به طور ناخودآگاه این اخطار را جدی فرض کرد. نگاه خواهر و برادری که دیگر تبدیل به منظونی یک اندیشه تاریک شد بود، در هم گره خورد. کار که شانه های کوچک‌شان را آزار دهد و کمرشان را خم کند و حالا نیز باید به چیزی محکوم می‌شدند که از نگاه مسافری برداشت می‌شد و به آن‌ها تفهیم اتهام می‌کرد. ولی چه می‌توانستند بکنند؟ ساقه نازک پیچک تکیه گاه می‌خواهد. «خدایا خود تکیه گاهشان باش». اتوبوس به پایان راه رسید، هر دو پیاده شدند. دخترک از برادرش جدا شد. با او هم مسیر بودم. گویی از تعقیب‌اش لذت می‌بردم و کشف آرزوهایش ذهنم را تسخیر کرده بود. حرکاتش مردانه جلوه می‌کرد. انگار فهمیده بود تحکم راز موفقیت در زندگی اوست. ولی فروش نرفتن آدم‌سها و چسپ‌هایش آنقدر کلافه‌اش کرده بود که دیگر نه امیدی به تحکم خویش داشت و نه رمقی که به عابران التماس کند.

بر سرعت قدم‌هایش افزود. کفش‌هایش اذیت‌اش می‌کرد، ولی هم چنان می‌رفت. مطمئن بودم که امیدی تازه است که چنین توانی به او بخشیده. به چهارراه رسید. چراغ قرمز بود و اطمینان داشت که به این زودی‌ها سبز نمی‌شود، به سوی یکی از دوستانش دوید، دستمال و افشانه او را گرفت و شروع به تمیز کردن شیشه جلوی اتوموبیلی کرد که فقط می‌توانست صاحب پول داری داشته باشد. راننده سرش را از پنجره بیرون آورد و گفت: بچه تمیز نکن از پول خبری نیست. ولی او توجهی نکرد و به کار خود ادامه داد، وقتی که به خیال خودش شیشه تمیز شد از راننده درخواست پول کرد. اما خبری از پول نبود. خونسردی راننده در قبال خدمتی که به او کرده بود، برایش آزار دهنده می‌نمود و او نیز در پاسخ به واکنش راننده شروع به کثیف کردن و لکه انداختن شیشه کرد و خوشحال بود حداقل توانسته تلافی کند.

۲۲ فوریه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد».

مرحله جدید جمع آوری کودکان خیابانی آغاز شد

مرحله جدید جمع آوری کودکان خیابانی از ۲۱ فوریه ۲۰۰۴ آغاز شد. با همکاری بهزیستی. رسول خادم، رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شوراهای اسلامی شهر تهران، در این خصوص به «ایسنا» گفت: مشکل جذب و جمع آوری کودکان نیست، بلکه سازمان دهی و طبقه بندی و ارجاع کودکان خیابانی در تهران و ارجاع مددجویان شهرستانی به ستادهای استان‌های مربوطه برای کاهش عینی تعداد کودکان خیابانی است.

۲۲ فوریه ۲۰۰۴، «خبرگزاری ایسنا».

کودکان کار تهرانی در چهار پناهگاه ثبت نام می‌شوند. تا این تاریخ دو

مرکز وجود داشته که با اضافه شدن دو مرکز جدید تعدادشان به چهار رسیده است. کودکان جمع آوری شده شهرستانی بلافاصله به مراکز شهرستان‌ها ارجاع داده می‌شوند.

۲۲ فوریه ۲۰۰۴، روزنامه «ایران».

با جمع آوری ۱۵ هزار کودک خیابانی در شش ماهه اول سال روشن شد تهران بزرگ‌ترین مرکز کودکان آواره است. دکتر سید هادی معتمدی در گفتگو با خبرنگار «ایران» گفت: از مجموع ۱۵ هزار کودک، ۱۲ هزار و ۷۰۱ کودک مربوط به تهران بوده‌اند. هم چنین ۵۶۰ نفر در لرستان، فارس و ۳۵۰ نفر در خراسان جمع آوری شده‌اند. وی گفت در سال ۸۱، یازده هزار کودک جمع آوری شده است. در شروع سال ۸۱، تعداد کودکان ۱۴۵۰ نفر بوده است و این رقم در شش ماهه اول سال هشت به ۱۲ هزار و ۷۰۸ مورد افزایش یافته است. (ضد و نقیض بودن فاحش آمار به ویژه آن جا که به مسئولین دولتی برمی‌گردد، در این گزارشات به روشنی آشکار است. عدم تناسب تیتر خبر با محتوی آن مشکل بعدی است، به عنوان مثال به تیتر خبر بالا دقت کنید: بیش‌ترین کودکان آواره را اسم می‌برد، اما در گزارش می‌آید که از مجموع ۱۵ هزار کودک، ۱۲ هزار و ۷۰۸ نفر مربوط به خود استان تهران بوده‌اند. س. ب.)

۲۳ فوریه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد».

«گسترده شدن ابعاد کار کودک و علاوه بر آن در جرایم و رسانه ها به طور فزاینده‌ای موارد کودک آزاری گزارش می‌شود.» اعتیاد، فقر، بی‌کاری، دلایل وجود کودکان خیابانی‌اند. جمهوری اسلامی کنوانسیون حقوق کودک را در بهمن ماه سال ۱۳۷۰ امضا نمود. در اسفند ۱۳۷۲ به تصویب مجلس رسید. به گزارش «ایسنا» در تحقیقی که برای برآورد کمیسیون مجلس در مورد مشکل کودک آزاری در ایران به عمل آمده، با مطالعه ۳۰۱۹ کودک زیر ۱۸ سال که به سه درمانگاه تخصصی اورژانس کودکان «بهرامی»، «حضرت علی اصغر»، «مرکز طبی کودکان» به عمل آمده، در مجموع ۱۲/۲۴ درصد نمونه ها یعنی ۳۶۷ نفر دچار آزارهای شدید. بودند. آسیب‌های وارده در ۱۲/۸ درصد شدید و در ۸۳ درصد متوسط بوده است. نقش پدران ۴۸/۵ درصد و مادران ۲۸/۳ درصد بوده است. (هرمز یزدانی زنوز)

۲۹ فوریه ۲۰۰۴، روزنامه «ایران».

پیان غم انگیز جستجو برای یافتن جسد دختر هفت ساله

جسد الهه هفت ساله که از مدرسه‌اش ربوده شده بود، زیر خروارها خاک در جنگل‌های لويزان پیدا شد.

۲۹ فوریه، روزنامه «ایران».

عامل جنایت نیما اعدام شد

عامل جنایت که در یک اقدام جنون آمیز، بچه ۱۱ ماهه‌ای را تحت اذیت و آزار قرار داده بود، به دار مجازات آویخته شد. (قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران مانند: سنگسار، دار زدن در ملاء عام، بریدن دست، مثله کردن و...) که قبح جنایت را از بین برده است، مسبب اصلی شیوع و گستردگی جنایت در جامعه‌اند. به دار زدن و دیوانه خواندن نصف مردم ایران، نه تنها دردی از این ماجری دوا نمی‌کند، بلکه به وسعت یافتن دامنه جنایات می‌افزاید. س. ب.)

۲۵ فوریه ۲۰۰۴، روزنامه «ایران».

رباینده ۳۶ دختر بچه اعدام شد.

۹ مارس ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد».

زندان‌های کشور دیگر جایی برای معتادان ندارند. ۵۳ درصد از محبوسان به دلیل اعتیاد زندانی‌اند.

کودکان ایران حق تحصیل ندارند

کیفیت نازل برنامه‌های آموزشی، مذهبی و کسب کننده بودن آن‌ها، سخت گیری‌ها و تنبیهات بدنی کودکان یک دلیل ترک تحصیل کودکان در ایران است. محروم شدن کودکان افغانستانی مهاجر از تحصیل به دلیل شهریه بالا و در برخی موارد نداشتن کارت اقامت معتبر از تراژدی‌های دیگر مقوله تحصیل کودکان در ایران است. س. ب. ا.

۳۰ مارس ۲۰۰۴، منابع روزنامه «شرق»، «خبرگزاری مستقل کابل»، «خبرگزاری دانش جویان ایران، ایسنا»،

کودکان افغانستانی مقیم ایران از حق تحصیل محروم شدند

بنا به مصوبات هیات وزیران جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط تحصیلی اتباع خارجی در ایران که از آغاز سال تحصیلی ۸۳ و ۸۴ (۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) در سراسر کشور به اجرا در آمده است، راه تحصیل کودکان افغانستانی بسته شده است. ماده ۲ این مصوبه که در ۱۱ فروردین ماه سال ۸۴ (۳۰ مارس ۲۰۰۴) به تصویب رسیده است، تصریح می‌کند: «به منظور تعدیل یارانه های دولت در زمینه تحصیل دانش آموزان خارجی وزارت آموزش و پرورش مجاز است هنگام ثبت نام از دارندگان مدارک اقامتی معتبر بر حسب وضعیت مالی دانش آموز طبق سرانه دانش آموزی، تمام یا بخشی از هزینه تحصیل را با تصویب شورای آموزش و پرورش استان دریافت و به حساب درآمد عمومی دولت واریز نمایند.»

این در حالی است که بنا به قوانین ایران، تحصیل کودکان باید رایگان باشد و بر طبق مصوبات کنوانسیون حقوق کودک که دولت ایران هم آن را امضا نموده است، کودکان مهاجر باید از حق مساوی با کودکان بومی برخوردار باشند. هر چند که علی رغم قانون نام برده، والدین به بهانه های گوناگون مجبور به پرداخت هزینه های کُراف تحصیلی هستند، اما حداقل آنان مجبور به این کار نیستند، در حالی که در مورد کودکان افغانستانی این اجبار وجود دارد. س. ب. ا.

۸ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد».

مشق شب روی تخته سیاه زندگی، دانش آموزشی که در دامن فقر درس می‌خوانند

فقر و محرومیت در نتیجه بی کاری و بی کاری در نتیجه عدم اشتغال زایی هم به خاطر ضعف مدیریت‌ها و عدم بهره گیری از فرصت های پیش روی کشور است. محرومیت رو به افزایش خانواده ها و شرایط نامساعد مالی آن‌ها در نهایت به ضرر حاکمیت و نظام خواهد بود. طبق آمار دولتی، تنها حدود ۲۲ درصد دانش آموزان تهرانی از فقر رنج می‌برند. طبق این خبر، یک سوم مردم ایران دچار پوکی استخوان در اثر سوء تغذیه‌اند.

۱۵ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد».

کودک آزاری، صدایی که ناشنیده می‌ماند

سید رضا صائمی: کودک آزاری ظالمانه ترین و سیاه ترین چهره ظلم انسان بر انسان و ناهنجاری اجتماعی قلمداد می‌شود که معمولا در همه کشورهای جهان سوم مرسوم است. در ایران نیز در سال‌های اخیر کودک آزاری رو به افزایش نهاده است. در پژوهشی که در بین ۱۷۵ پسر و ۱۴۱ دختر در بخش اورژانس بیمارستان کودکان تهران انجام گرفته، مجموعاً ۳۶۷ کودک دچار آزار جسمانی به علت کودک آزاری شده بودند.

انواع کودک آزاری:

الف: آسیب‌های سطحی و پوستی:

- ۱- سائیدگی و خراش گوشتی، زخم چاقو، شکستگی ناخن، کندن شدن موی سر، سوختگی‌های حرارتی و شیمیایی. یکی از شیوه های رایج کودک آزاری بدنی، سوختگی است که با سیگار و اطو معمولا روی بازوها و ران‌ها دیده می‌شوند. هم چنین سوختگی ناشی از وارد کردن دست و پا در آب داغ.
- ۲- شکستگی‌ها، در رفتگی‌ها، پیچش ناگهانی.
- ۳- ضایعات داخل جمجمه‌ای و نخاعی.
- ۴- خفه کردن، غرق کردن و مسمومیت عمومی.
- ۵- آسیب و ضربه های شکمی.

ب: کودک آزاری جنسی: تجاوز جنسی به کودکان در مفهوم حقوقی به هر عملی گفته می‌شود که کودکی مورد سوء استفاده و استثمار جنسی قرار گیرد.

ج: آزار وابسته به رفتار خانواده که می‌تواند توسط اعضای خانواده یا سایر افراد انجام شود.

د: آزار پرورشی که شامل آزار انجام شده در مدارس، موسسات پرستاری کودکان و... است.

ه: آزار خیابانی که آزار کودکان در خیابان یا دزدیدن و ربودن کودکان را شامل می‌شود.

متجاوزان اغلب هم مردان و هم زنان هستند. متخلفان اغلب کسانی‌اند که در مراکز مراقبت از کودکان کار می‌کنند.

۱۵ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد».

افزایش روزافزون کودکان کار

طبق مطالعات انجام شده، درصد بسیاری از کودکان کار دارای خانواده و سر پناه هستند که از روی نیاز اقتصادی خانواده و بالاجبار و علی رغم میل باطنی برای کمک هزینه خانواده در چرخه زودرس کار و تلاش قرار گرفته‌اند. متأسفانه علل و چرایی پیدایش و افزایش روزافزون کودکان خیابانی موضوعی است که همواره از دید برخی از مسئولین پنهان مانده است. اگر گذرتان به بازار تهران و خیابان مولوی افتاده باشد، کودکان زیادی را می‌بینند که با جسدان نحیف و لاغرشان که سوء تغذیه در چهره معصومان نمایان است به باربری با چرخ دستی مشغولند. و نیز تعداد کودکانی که در خیابان به تکدی گری، گل فروشی، آدامس فروشی، سیگار فروشی و... می‌پردازند، هر روز بیشتر می‌شوند. در این میان با مراجعه به صفحات حوادث روزنامه ها، متأسفانه تعداد کودکان بزهکار نیز رو به افزایش است. دستگیری کودکان از سطح شهر، خوراندن یک وعده غذا به آن‌ها و بعد از دو روز آزاد کردنشان، مرحله‌ای است که به عنوان سازمان دهی از آن یاد می‌شود. آیا به راستی این سازمان دهی است؟

صدور جواز کار یا عدم آن چه تاثیری برای کودکان می‌تواند داشته باشد؟ به هر حال این دردمندان خاموش محتمل به زندگی در شرایطی هستند که میل باطنی آنان نیست. غیر از این است که به دلیل خلاء قانونی در کشور ما که به موجب آن پدر از مجازات کودک آزاری معاف است، پس می‌تواند کودک را به هر کاری مجبور کند. ضمناً مجوز کار را برای این کودکان کسانی امضاء نموده‌اند که طبق مفاد پیمان نامه حقوق کودکان که معتقد به انجام آنند، آن را زیر پا گذاشته‌اند.

ای کاش برای آموزش و تحصیل این کودکان مجوز صادر می‌کردند. اگر گذارتان به شهر بازی بیفتد، چشم‌تان به کودکان فال فروش و آدامس فروش می‌افتد که از پشت میله ها با آرزو و حسرت به چرخ و فلک‌هایی که بچه های دیگر در آن‌ها مشغول بازی‌اند نگاه می‌کنند. ای کاش برای استفاده رایگان کودکان خیابانی از شهر بازی جواز صادر می‌کردند. کودک آدامس فروشی که خواستم

با او حرف بزیم (متوجه جای پنجه دستان بی رحمی بر روی صورتش شدم) به من گفت: هر روز غروب باید پنج هزار تومان پول به خانه ببرم و چون دیروز ۵۰۰ تومان کمتر بوده است، پدر بی رحم‌اش چنان سیلی محکمی بر صورتش نواخته است که اثر سه انگشت بابا بر روی صورتش مانده است. فهمیده، نه سال دارد.

۱۵ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

میزان با سوادان کشور ده میلیون اعلام شده.

۱۵ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

شیر ۶۰۰ تومان، یک گرم خامه معادل ۲۱۲ تومن یا ۱۳۰ گرم ماست موسیر به ارزش ۲۳۰ تومان است. (توجه داشته باشید که مواد لبنی برای رشد کودکان تا چه اندازه ضروری است. س. ب.)

۱۸ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

توطئه‌های هولناک برای کشتن پسر بچه‌ای که زیاد می‌دانست زن جوانی که با همکاری دوستانش یک باند مافیایی تشکیل داده بود، وقتی فهمید پسر شش ساله‌اش پی به راز فعالیت باند برده است، تصمیم گرفت این شاهد شش ساله را از بین ببرد. این زن با مشارکت هم‌دستانش پسر شش ساله خود را از پنجره طبقه سوم ساختمان به پایین انداختند. اما بچه دچار شکستگی استخوان دست و پا شده، زنده ماند و پدرش به دادگاه شکایت کرد.

۲۲ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

می‌خواستم همه اعضای خانواده‌ام را بکشم

پدری که در یک اقدام جنون آمیز دختر خردسالش را (نه ساله) کشته است، گفت: بچه را در حال خواب به زیرزمین خانه شان در شهر زیبا کشاند و پس از بریدن سرش سعی در کندن گودالی برای دفن جسد کرد که مادرش سر رسید. مادر دختر گفت: بعد از ظهر من و دخترم زهر و پسر دو سالمه محمد در اتاق خوابیده بودیم که با صدای کلنگی که از زیرزمین به گوش می‌رسید بیدار شدم. از خواب پریدم و دیدم زهرا کنارم نیست. به زیرزمین دویدم و دیدم زهرا را کشته و مشغول چال کردن اوست. پدر از دختر سوء استفاده جنسی می‌نموده است.

۲۵ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

طرح اصلاح ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی درباره فرزند کشی به مجلس فرستاده شد. مجازات اعدام برای پدران فرزند کش.

یک دادگاه مردی را به جرم کشتن دخترش به اعدام محکوم کرد اما دیوان عالی کشور آن را رد کرد.



یک مقام قضایی: در برخی از جنایات خانگی، مردان را به جرم فرزند کشی می‌توان به مرگ محکوم کرد.

یک مجرم شناس: با وجود تصویب قانون حمایت از کودکان، متأسفانه شورای نگهبان والدین را از مجازات معاف دانست. ماده ۲۲۵ مجازات اسلامی که مطابق آن پدر در صورت کشتن فرزند مجازات بسیار ضعیفی دارد.

۲۹ آوریل، روزنامه «اعتماد»

آدم ربایان پسر بچه‌ای را ۲۲ روز زندانی کردند. پسر دوازده ساله، محمد فرشباف، در راه مدرسه در کرج دزدیده شد.

۲۹ آوریل ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

معتاد کارتن خواب در میان شعله های آتش سوخت.

۱۹ مه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

اسرار شبکه بزرگ شبکه انتقال دختران به دویی

اعضای اصلی این باند ۲۰ نفر بوده و زنان و دختران جوان را پس از درجه بندی و نرخ گذاری به دویی انتقال می‌دادند. پنج هتل در دویی برای اقامت دختران و تحویل آن‌ها به مردان ثروت مند شیخ نشین بود دخترانی که درجه زیبایی کمتری داشتند به دیسکوها اجاره داده می‌شدند.

۱۹ مه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

مردی به جرم تجاوز به ده ها دختر بازداشت شد. این مرد ۳۴ ساله با تهدید چاقو و قمه باعث آزار ۱۰۰ زن و دختر شده است.

۲۵ مه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

دکتر حسین انصاری: کودک آزاری، میراث خوار فرهنگ پدرسالاری است.

۲۵ مه ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»

قصه دردناک پرستوی بال شکسته

پرستوی چهار ساله مورد آزار ناپدری قرار گرفته است. دست و پاهایش سوخته است. ناپدری پرستو را با قاشق داغ می‌کرد. پرستو با کبریت بازی می‌کرده و پتو آتش گرفته بوده است.

۲۶ مه ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»

گزارش تکان دهنده حراج دختران ایرانی در امارات

به گفته یکی از کارشناسان، مقدمات این حراج دو هفته قبل در جریان برگزاری یک نمایشگاه بین المللی توسط صیادان زنان و دختران ایرانی فراهم شد. شکارچیان انسان از میان ۲۸۶ دختر ایرانی، پنج نفر را انتخاب و برای حراج در فجیره آوردند. بنا به مصطفی بن یحیی، خلبان ایرانی تبار، از نه پرواز به صورت عادی و بیست پرواز غیر عادی ایران به دویی به طور متوسط بین ده الی پانزده دختر روزانه به امارات فرستاده می‌شوند. بسیاری از شهرهای آبادان، اهواز، زاهدان، تبریز، و کرمانشاه آمار بالایی دارند، اما بالاترین آمار مربوط به تهران و مشهد است. بن یحیی گفت: در کنار این مساله، انتقال اجساد دختران ایرانی به کشور هم را نیز اضافه کنید. اغلب این دختران به دلیل ابتلا به بیماریهای خطرناکی از جمله «اچ آی وی» یا افسردگی دست به خودکشی می‌زنند، به قتل می‌رسند یا خود می‌میرند. بنا به مصطفی بن یحیی، میدان‌های شهر، آرایشگاه ها، دادگاه های شهر، استخرهای زنانه، کلاس‌های بدن سازی، و... محلی برای شناسایی دختران و زنان و ترغیب آنان برای رفتن به کشورهای حاشیه خلیج فارس برای کسب

یا هماهنگی با مسئولان ذیربط خودداری کرد و در اختیار گذاردن هر گونه اطلاعاتی را منوط به نامه نگاری‌های اداری می‌داند. غلامرضا عبدلوند، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، می‌گوید: این خبر را پخش نکنید. باعث جریحه دار شدن غرور ملی می‌شود. اشرف بروجردی، معاون اجتماعی امور زنان و زرات کشور، بعد از قطع جنبدین مرتبه تلفن، نایاب می‌شود. سفارت جمهوری اسلامی در ابوظبی خبر منتشره «ایسنا» را بی پایه می‌خواند.

۲ ژوئن ۲۰۰۴، «خبرگزاری مهر»،

جمع آوری کودکان کار از خیابان‌ها به صلاح نیست

مدیر کل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی اعلام کرد: جمع آوری کودکان کار از سطح شهر و نگه داری آن‌ها در اردوگاه به صلاح نبوده و به هیچ وجه نباید در پی جمع آوری این کودکان از خیابان‌ها باشیم. چرا که در صورت جمع آوری آن‌ها، یکی از منابع درآمد خانواده حذف شده و زمینه گرایش به فساد اخلاقی و سایر جرایم به دلیل فقر و مشکلات مالی در میان تک تک افراد خانواده فراهم می‌شود.

دکتر سید هادی معتمدی در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر با بیان این مطلب گفت: خیابان‌ها محل کار این کودکان است و این کودکان به عنوان یکی از نان آوران خانه از نخستین ساعات روز تا پاسی از شب در قالب کارهایی چون، گل فروشی آدامس فروشی و فال و... کسب درآمد می‌کنند و وقتی جای دیگری به عنوان محل کار این کودکان نداریم، چگونه می‌توانیم این کودکان را از خیابان‌ها جمع آوری کنیم؟

۳ ژوئن ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

شکنبه هولناک مهمان کوچولوی روستا

زن عموی فرزانه شش ساله به اتهام شکنبه وی راهی زندان شده است. پدر فرزانه زندانی است، فرزانه به خانه عمو رفته بود.

۲۲ ژوئن ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

اعدام در ملاء عام برای عاملان قتل پسر بچه ۶ ساله.

۲۲ ژوئن ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

گروه اجتماعی: وقتی که به دنیا آمد نه می‌دانست کار یعنی چه، نه می‌دانست استثمار و بهره کشی چه معنایی دارد. اما ساختار اجتماعی و اقتصادی کشورش او را به کار کردن واداشت. دکتر فاطمه قاسم زاده، رئیس انجمن پژوهشی و آموزشی کودک، با اشاره به خلاء های قانونی موجود در کشور مبنی بر کار کودکان می‌گوید: خارج کردن کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون بسیار به زیان کودکان است، به طوری که کارگاه های زیادی از کودکان به خصوص در قالی بافی‌ها سوء استفاده می‌کنند.

وی با انتقاد از دولت مردان اظهار می‌دارد: صاحب منصبان حکومتی با تصویب این طرح، استثمار کودکان را به حد اعلا رسانده و کارگاه های زیادی هم تعدادشان را به زیر ده نفر رسانده‌اند تا بتوانند کودکان را بیشتر استثمار کنند. وقتی هم به وزارت کار می‌گوییم جواب می‌دهند که ما هیچ قسمتی برای رسیدگی به معضلات کودکان نداریم، چرا که اصلا کار کودک ممنوع است!

دکتر ترابی، مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی، با اشاره به خلاء های قانونی موجود می‌گوید: ما به تعداد کودکان، خلاء قانونی داریم. یعنی ده میلیون کودک! هنوز تعریف کار کودک در جامعه ما شناخته شده نیست. و در مورد قانون هم خود ما بحث زیاد داریم. ما سازمان یا ارگان مشخصی برای رسیدگی به این مسایل نداریم و به قدری پراکندگی و محافظه کاری در سازمان‌های ما وجود دارد که گاه از ادامه کار باز می‌مانیم.

درآمد بیش‌تر زندگی بهتر و شغل مناسب می‌شده است. خلبان ایرانی تبار گفت: بیش‌تر این دختران از طریق آگهی‌های استخدام منشی جلب این باندها می‌شوند. بعضی از این دختران به قدری کم سن و سالاند که پس از انتقال مدتی به عنوان کارگر خانه از آن‌ها استفاده می‌شوند و سپس در کلوپ‌های شبانه به کار مشغول می‌شوند. ویزاهای این دختران نیز که توسط آژانس‌های کوچک و بزرگ سطح کشور آماده می‌شود، پانزده روزه است. بن یحیی با اشاره به این که دو آژانس بزرگ تهران در قاچاق دختران به صورت گسترده و حرفه‌ای مشغول کار هستند، اضافه می‌کند: در مدت دو هفته‌ای که این دختران برای بردگی جنسی به دوی آورده می‌شوند، بارها مورد هتک حرمت قرار می‌گیرند. نرخ این دختران در روزهای اول بین هزار تا دو هزار دلار است که این بستگی به وضعیت ظاهری و فیزیکی آنان دارد. البته روزهای آخر این مبلغ به ده و پنج دلار می‌رسد که خریداران آن‌ها کارگرانی از کشورهای هند و پاکستان هستند.

(نقش مستقیم کارگران جمهوری اسلامی در این رابطه کاملاً واضح و عیان است. با توجه به مقررات سفت و سخت امنیتی فرودگاه های ایران، چطور ممکن است روزانه نه پرواز عادی و بیست پرواز غیر عادی دختر از ایران به امارات برود و دولت خبر نشود؟ س. ب.)

۲۷ مه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

سکوت خبری درباره قاچاق و حراج دختران ایرانی در دوی

محمد رضا ملوی: خبر جذب دختران ایرانی با وعده اعزام به خارج کشور از دوی از سوی یک سایت اینترنتی توسط یکی از غرفه های کشورهای عربی در نمایشگاه کتاب گرچه یک روز بیش‌تر بر روی سایت باقی نماند، اما خود سرنخی بود برای آغاز داستانی که حدود سه هفته بعد چون بمبی در راس اخبار قرار گرفت.

خبری بر مبنی حراج و عرضه ۵۴ دختر ایرانی در ۱۲ کیلومتری دوی در فجیره امارات متحده عربی

بر اساس این خبر، خلبان ایرانی تباری به نام مصطفی بن یحیی که خود گویا دکترای جرم شناسی بوده و از اعضای نیروی پلیس امارات است، در گفتگویی با خبرنگاری «ایسنا» با افشای اخباری در خصوص انتقال و فروش دختران ایرانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس خبر از برپایی این «شوی» جنسی در فجیره داد. مردی که ۱۵ زن و دختر را به دوی قاچاق کرده بود به سه سال زندان محکوم شد.

قاچاق اعضای بدن دختران

گفته می‌شود حتا در مواردی قاچاقچیان، اعضای بدن دختران جوانی را که خواهان خروج از کشور هستند طلب می‌کنند. خواستی که دختران جوان چاره‌ای جز انجام بی چون و چرای آن را ندارند. خبرنگاری «ایسنا»، همکاران سرویس آسیب‌های اجتماعی، با پوزش از این که نمی‌توانند شماره تماس با این خلبان را در اختیار ما قرار دهند می‌گویند: مطمئن باشید خبر مستدل است. نوار داریم، از وزارت امور خارجه نیز ساعتی قبل تماس گرفته بودند و با لحنی تهدیدآمیز ضمن این که ما را به نشر اکاذیب متهم می‌کردند، تهدید به شکایت نیز کردند.

برای یافتن پاسخ چند بار با دفتر امور بین المللی در حوزه خلیج فارس تماس می‌گیریم، اما هر بار رئیس دفتر از برقراری ارتباط و ارائه هر گونه پاسخی طفره می‌رود. سوی دیگر این داستان بی تردید «ناجا» و پلیس انتظامی است. ولی حتا سرهنگ احمدی رئیس اعلام رسانی «ناجا» که بارها با وی در گفتگوهای مختلف در تماس بودیم و آشنای چهره خبرنگاران است، از ارائه هر گونه توضیحی

خود سازمان بهزیستی هم فقط صورت مساله را پاک می‌کند.

دکتر قاسم زاده معتقد است: بازتولید کودکان خیابانی ناشی از ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه است، به خصوص در نظام‌های سرمایه داری این نوع کودکان همواره بازتولید می‌شوند.

کودکان کار حتماً مطلوب‌تر و درمانده‌تر از کارگرانی هستند که خرده حمایتی هم از آن‌ها نمی‌شود، چرا که درهای بسته و کارگاه‌های مخوف میزبان آن‌ها نیستند و هیچ کس شاهد آزار و ستمی که بر آن‌ها روا می‌شود، نیست. هر چند که آمار دقیقی از کودکان کار در ایران نیست، اما دکتر فاطمه قاسم زاده می‌گوید: طبق آمارهای رسمی ۴/۱ درصد کودکان کار در ایران داریم. اگر چه می‌دانیم که تعداد کودکان کار خیلی فراتر از این‌هاست، زیرا کارگاه‌هایی در کشور وجود دارد که اصلاً در شمول قوانین کار نیستند. و ما هیچ آماری از آن‌ها در دست نداریم.

وجود ۴/۱ درصد کودکان کار در ایران رقم کمی نیست. یعنی اگر ما ده میلیون کودک در ایران داشته باشیم، چهارصد و ده هزار کودک در ایران از حقوق کودکی خود محرومند و فقط به کار گمارده شده‌اند، که خود از منظر گوناگون آسیب‌های اجتماعی زیادی را پدید می‌آورد.

اما تاسف‌بارترین کار کودکان زمانی است که از او به عنوان در واقع نوعی برده یا شبه برده استفاده کنند. در مقاله‌نامه شماره ۱۲ نیز از این نوع کار به عنوان شدیدترین حالت کار کودکان نام برده شده است. هم چنین بر اساس اطلاعیه یونسف برآورد می‌شود که سالانه ۲/۱ میلیون کودک دختر تحت عنوان عروس قاچاق می‌شوند تا از آن‌ها به عنوان خدمت کار خانه استفاده شود.

۲۴ ژوئن ۲۰۰۴، «خبرگزاری ایلنا»

۶۰۰ کودک خیابانی در تهران جمع آوری شد

گروه اجتماعی: مخبر کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران گفت: در خرداد ماه بیش از ۶۰۰ کودک خیابانی از سطح شهر تهران جمع آوری شده که حدود ۳۴۰ نفر از این کودکان خارجی و اکثر افغانی یا پاکستانی بوده‌اند. دکتر مهنوش معتمدی آذری مخبر کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران در گفتگو با خبرنگار سرویس اجتماعی «ایلنا» با اشاره به این که ۵۵ درصد از کودکان جمع آوری شده خارجی بوده‌اند، گفت: از کل تعداد کودکان جمع آوری شده سی نفر دختر و بقیه پسر بوده‌اند. به گفته وی هم چنین سیزده نفر از کودکان خیابان خارجی جمع آوری شده دختر بودند.

۲۶ ژوئن ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

اتخاذ تدابیر قانونی علیه والدین کودک آزار ضروری است.

۵ ژوئیه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

مردی به اتهام کشتن دختر شیرخواره‌اش دستگیر شد.

۵ ژوئیه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

پنجاه هزار کودک خیابانی جمع آوری می‌شوند.

۶ ژوئیه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

سرقت متداول‌ترین جرم در نوجوانان است

همین منبع: جلوگیری از ازدواج با مردان عراقی نیازمند وضع قوانین است. بعد از افغانستانی‌ها نوبت مردهای عراقی است، دختران جوان را عقد کرده، آن سوی مرزها رها می‌کنند.

۳۱ ژوئیه ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

آخرین آمار از کودک آزاری در انجمن حمایت از حقوق کودکان

مهنوش رجائی: طبق بررسی‌های انجام شده در انجمن حمایت از حقوق کودکان، در سال ۲۰۰۴ رشد کودک آزاری ۵۰ درصد بوده است.

بنا به آمار سال ۸۲ در طی یک سال از ۱۶۰ مورد کودک آزاری ۵۶/۲ درصد عیله دختران و ۴۳/۸ درصد علیه پسران بوده است. طبق این آمار ۳۷/۵ درصد پدران، ۱۸/۸ درصد مادران و ۱۳/۸ درصد مادران و پدران به صورت مشترک بوده‌اند.

بر اساس همین آمار، ۱۰/۴ درصد توسط نامادری، ۴ درصد نامادری و ناپدری مشترکاً. ۶/۴ درصد معلمان و مدیران و ۲/۵ درصد توسط موسسات نگره داری از کودکان بوده است.

سرخ شدن پوست بدن هم راه با خون مردگی بر اثر لگد زدن، ضربه زدن با دست و کمر بند، شلاق یا کابل، گاز گرفتن، سوزاندن، بریدن با جسم برنده و تیز مثل کارد، سوزن و اجسام نوک تیز، بیش‌ترین نوع این خشونت‌ها با ۷۰/۶ درصد را شامل می‌شود که البته سوء استفاده جنسی با رقم ۶۳ درصد نیز با آنان هم راه است.

طبق این آمار، اخراج از خانه ۵ درصد، حبس ۴/۴ درصد، فرار ناشی از آزار در خانه ۴/۴ درصد، ممانعت از دیدار کودک با مادر مطلقه توسط پدر ۱/۳ درصد بوده است.

۱۷ آگوست ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

اعترافات پسری که دختری ۱۶ ساله را کشته است: من آندریا را سوزاندم و در چاه انداختم. این پسر دختر مورد علاقه‌اش را کشته است.

۱۷ آگوست ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

اعضای یک باند رباینده پسر بچه‌ها در تهران دستگیر شدند.

۲۳ آگوست ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»

حمله مرگبار پدر به دو دخترش: ۲۰۰ دقیقه دلهره برای رهایی دو کودک از چنگ پدر.

۲۴ آگوست ۲۰۰۴، «خبرگزاری ایرنا»

۵۷ هزار کودک کردستانی نان آور خانواده هستند

۵۷ هزار کودک و نوجوان زیر پانزده سال در کارگاه‌های استان کردستان به صورت غیر قانونی کار می‌کنند. به گزارش خبرگزاری «ایرنا»، ایرج بهرام نژاد، دبیر اجرایی خانه کارگر استان کردستان، جمعیت زیر پانزده سال استان را ۵۷۰ هزار نفر اعلام کرد که ۱۰ درصد از این کودکان به صورت غیر قانونی مشغول به کار هستند. وی گفت: فقر حاکم بر کردستان، کودکان و نوجوانان را مجبور کرده تا کارهای سخت و زیان‌آوری را در مقابل دست‌مزدی ناچیز انجام دهند. بهرام نژاد افزود: نبود نظارت لازم باعث شده که این کودکان به صورت آشکار در کارگاه‌های تعمیر خودرو و باتری‌سازی به کار گرفته شوند که این مطلب مغایر با قانون است.

۲۴ آگوست ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»

دم کودکانه در شیشه مذاب کارگاه‌های جهنمی

پسرخورک بیچاره نیم متر با دریاچه جهنم فاصله دارد. رحیم کوچولوی ۱۳ ساله مجبور است ده ساعت کا در روز را در مقابل حرارت چند صد درجه‌ای یک کوره بزرگ ذوب شیشه تحمل کند تا خانواده‌اش در ایران به درآمد بیست هزار تومانی او در هفته دلخوش باشند.

این داستان کودکان فقیر ایرانی در کارگاه‌های جهنمی است. رحیم به خاطر حرارت

بالا مجبور است هر بیست دقیقه یک لیتر آب کثیف را بنوشد تا کلیه هایش هم از بین بروند. در قرچک ورامین پدرش کارگر ساده ساختمانی است که به هم راه خانواده خود از مشهد به تهران آمده است تا فرصت بهره کشی از کودک ۱۳ ساله‌اش را به صاحب کارگاه شیشه سازی بدهد.

مقاومت در برابر آتش و فشار دنده ها دو فکش را برجسته کرده، دستان کوچک پیر شده‌اش هم به دلیل تماس با لوله فلزی داخل کوره که مواد ذوب شده شیشه را حمل می‌کند، تا اول تازه را جایگزین زخم کهنه می‌کند. این تنها سختی کار نیست، آن جا یک کارگاه شیشه گری و بلورسازی است که غفلت کارگران زمین را از خرده شیشه فرش می‌کند. رحیم میان شیشه خرده های کف کارگاه قدم می‌زند تا بریدگی‌های سطحی و عمیق شیشه از میان سوراخ های دمپایی کهنه، پاره های گوشتی را تشکیل دهند. اندام نحیف و دنده های بیرون زده‌اش، تصویر این کودک قربانی کار طاقت فرسا را کامل‌تر کند. رحیم‌ها هزارانند.

سرپرست کارگاه تولید شیشه که سرپرست ایمنی رحیم و ده کودک دیگر است، می‌گوید: بزرگ‌ترها کارهای کودکان را نمی‌توانند انجام دهند، چون زود خسته می‌شوند. در حالی که بچه ها در طول روز ده ها بار برای جا به جایی بار کوره ها می‌توانند از این سوی کارگاه تا آن سر کارگاه بدون آن که خسته شوند! در حالی که نام کامل صاحب کارگاه هم از معرفت حکایت دارد هم آقایی، با این وجود چشمان غمگین و چهره افسرده رحیم و دوستان دیگرش در کارگاه که یکی دو سالی از او کوچکتر هستند، فریاد می‌زنند از آن ها بهره کشی می‌کنند. فریادهای خاموش این کودکان در ایران داستان عجیبی دارد.

این کشور اگر چه به عضویت در کنوانسیون منع کار کودکان در آمده، اما زیر بار فشار اقتصادی شدیدی که بر خانواده ها تحمیل شده، ۸۰ درصد کودکان خیابانی در ایران مشغول و مجبور به کارند. کارگاه های زیرزمینی هم چنان به بهره کشی از کودکان ادامه می‌دهند و خانواده های فقیر دانسته یا ندانسته اقدام حمایتی جدی از فرزندانشان به عمل نمی‌آورند.

او ده ها لیوان و ظروف شیشه‌ای را در طول ده ساعت حالت می‌دهد. او لوله را روی لب‌هایش می‌گرداند، به آن‌ها فرم می‌دهد، پوست لب‌هایش تخلیه و زخم کهنه‌ای وسط لب‌هایش را تزیین کرده است. می‌گوید: وقتی داخل کوره می‌دمد، به کارش فکر می‌کند. ولی این را هم می‌گوید که: بعضی وقتها با خودم فکر می‌کنم که چقدر خوب بود یه روزی پولدار شم یه دونه ماشین بخرم.

کودکان در ایران به دلیل فقر شدید مجبور به کار از سنین شش سالگی هستند. کارهای سخت برای کودکان زیر پانزده سال مشکلات دیگری را هم به هم راه خود دارد. بی‌قیدی اخلاقی کارفرمایان در محیط کار و الگوهای منفی، کودکان را با خطرات اخلاقی مواجه کرده است. برخی از آن‌ها در کارگاه های پنهان با شرایط سخت کار مورد سوء استفاده و آزار جنسی هم قرار می‌گیرند.

در یکی از همان کارگاه های شیشه گری درست دیوار به دیوار کوره های داغ، دریچه های کوچکی تعبیه شده که به یک دخمه یکی دو متری با ارتفاع بسیار کم راه می‌یابد. آن جا گرم خانه‌ای است که ظروف شیشه‌ای برای قوام یافتن ننگه داری می‌شوند. کودکان زیر ده سال باید وارد این دخمه ها شوند تا به کار تخلیه بپردازند. به خاطر دریافت مبلغ بسیار ناچیزی باید به سختی به دیوارهای جهنم وارد شوند.

تحقیق انجمن حمایت از حقوق کودکان بر روی ۵۸۵ کودک نشان می‌دهد که ۳۳ درصد تعداد کودکان خیابانی در میدان تجریش و ۲۰ درصد در میدان رسالت بالا رفته است. ۴۸ درصد از این کودکان شش تا دوازده ساله‌اند. این تحقیق مشخص کرده که ۱۶ درصد این کودکان زیر شش ساله‌اند و ۳۵ درصد آنان دوازده تا هجده ساله‌اند. ۸۳ درصد پدر و مادر دارند و با آن‌ها زندگی می‌کنند و تعداد اعضای خانواده آن ها بین پنج تا ده نفرند.

والدین آن‌ها بیسوادند. ۸۰ درصد خانواده ها مهاجر هستند که ۳۴ درصد از روستاها و شهرهای دیگر آمده‌اند، ۳۶ درصد مهاجران افغانستانی‌اند و ۵۸ درصد کودکان دارای شناسنامه می‌باشند. کودکان به دلیل سوء تغذیه از سن واقعی بسیار کمتر نشان می‌دهند.

۲۶ آگوست ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

آرزوهای بر باد رفته

طبق نتایج پژوهشی دکتر سید حسن حسینی، عضو هیات علمی دانشگاه، ۹۵ درصد کودکان خیابانی پسرند. و بین پنج تا هجده ساله‌اند. ۹۰ درصد این کودکان پدر و مادر و سر پناه دارند.

۳۱ آگوست ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

پسر ۱۶ ساله افغان در دادگاه کرج به جرم داشتن هفت کیلو گرم هروئین به اعدام محکوم شد.

۲۰ آگوست ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

محمد رضا الوند، معاون دفتر امور شبه خانواده، می‌گوید: در حال حاضر ۱۰ تا ۱۲ هزار کودک بی سرپرست از نوزادی تا سن زیر ۱۸ سال تحت پوشش بهزیستی‌اند که شش هزار و سی نفر آنان در مراکز شبانه روزی و شیرخوارگاه ها و شش هزار کودک نیز به صورت امین موقت در خانواده ها ننگه داری می‌شوند. الوند با اشاره به روند افزایش بی سرپرستی کودکان طی سال‌های اخیر می‌گوید: در سال ۷۶ تعداد کودکان دو هزار و ۵۴۶ نفر بوده که این تعداد در سال ۸۳ به ده هزار نفر افزایش پیدا کرده است.

۲ سپتامبر ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

جنایت هولناک خانوادگی: زنی به کمک مرد بیگانه تصمیم به قتل شوهر و دو فرزندش گرفت.

۲ سپتامبر ۲۰۰۴، روزنامه «اعتماد»،

عروس ۱۶ ساله با پسر بیگانه فرار کرد.

۲ سپتامبر ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

شکنجه های فراوان برای فاش شدن راز یک گناه

علی هفت ساله برای ساکت ماندن درباره رابطه مادرش با مرد صاحب خانه در غیاب پدر شکنجه می‌شد.

۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

کودکان ایران علی رغم وجود قانون منع کار کودک استعمار می‌شوند.

جمع آوری ۳۵۰۰ کودک خیابانی در سه ماه اول سال ۸۳

دکتر مظفر در هفتاد و هشتمین جلسه علنی شورای اسلامی اعلام کرد که در سال گذشته ۲۴ هزار کودک از سطح خیابان‌های تهران جمع شده‌اند. (د این در حالی است که گزارشات دیگر بر وجود در مجموع فقط بیست هزار کودک خیابانی در کل کشور تاکید دارند؟! س. ب.)

۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴، منابع «سایت زنان»، روزنامه «ایران»،

عاطفه فقط شانزده سال داشت

عاصیه امینی: روزنامه ها نوشتند: عاطفه سهاله ۲۲ ساله به جرم فساد و فحشا اعدام شد. اما روزنامه ها راست نگفته بودند. این را عمه عاطفه می‌گوید



واسطه این‌ها از جهت رشد جسمی و روحی در معرض خطر قرار می‌گیرند. در فصل پنجم قانون کار، بخشی تحت عنوان شرایط کار نوجوانان وجود دارد که در آن آمده است: «کارگری که سن او بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد کارگر نوجوان نامیده می‌شود.» در واقع کار این طیف طبق قانون مجاز شناخته شده، اما شرایط خاص خود را دارد.

طبق ماده ۱۳۸ «سازمان جهانی کار» برای افراد پانزده سال در کشورهای پیش رفته و دوازده سال به بالا در کشورهای غیر پیش رفته در سایه بحث تبعیض آمیز نسبت فرهنگی و کار کودکان را سنت خانواده‌ها به حساب آوردن، دوازده ساعت کار سفید هفتگی که به رشد و درس کودک لطمه نزند مجاز شمرده شده است، نه این که به کودکان زیر هجده سال اجازه کار داده شود. نفس اجازه کار کودکان زیر هجده سال، تخطی از مفاد کنواسیون حقوق کودک و زیر پا گذاشتن لایحه «سازمان جهانی کار» توسط جمهوری اسلامی است. س. ب.

۳ اکتبر ۲۰۰۴، روزنامه «همشهری»،

کودکان خیابانی کودکان کار

معاون اجتماعی سازمان بهزیستی گفت: ۸۰ درصد کودکانی که به کودکان خیابانی موسوماند، کودکان کار هستند.

دکتر سید حسن علم الهدائی در آستانه ۱۶ مهرماه، روز جهانی کودک، در نشست مطبوعاتی افزود: به رغم نبود اعتباری خاص این سازمان ۳۳ مرکز کودکان خیابانی در سراسر کشور دایر کرده است. علم الهدائی گفت: بهزیستی در خصوص سازمان دهی کودکان بزهکار و بریده از خانواده که ۲۰ درصد کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند، مشکلی ندارد. وی افزود: یکی از نگرانی‌های جدی در کشور، حقوق کودکان است؛ زیرا در ایران کمیته یا سازمان متولی حقوق کودکان وجود ندارد. علم الهدائی هم چنین با اظهار این که یکی از مشکلات دیگر کودک آزاری است، گفت: ۶۰ تا ۷۰ درصد کودک آزاری‌ها در خانواده صورت می‌گیرد و بیشتر این آزارها به میزان ۶۶ درصد از سوی پدر خانواده و ۲۵ درصد در کودکان طلاق صورت گرفته است.

از سوی دیگر، مدیر کل بهزیستی استان تهران، تسهیلات اشتغال زایی برای ناشنویان را اندک دانست و گفت: ظرف شش ماه اول سال جاری، تنها ۱۸ ناشنوا در سطح استان شاغل شده‌اند.

عباسعلی الصاق، هم زمان با روز جهانی ناشنویان، در گفتگو با «ایرنا» اشتغال را یکی از مشکلات اصلی ناشنویان ذکر کرده و گفت: سال گذشته ۲۶ ناشنوا در سطح استان شاغل شدند. وی با اشاره به این که ناشنویان برای اشتغال نسبت به سایر معلولان توان مندترند، افزود: ناشنویان در برخی مشاغل پر سر و صدا موفق‌ترند.

و اشک را از گوشه چشمانش پاک می‌کند. در خیر آمده بود دختر ۲۲ ساله‌ای بر دار رفت به جرم فحشا و فروش تن. اما آن چه این خیر را از زیر دندان قروچه خبرنگاران به صفحه‌های وب سایتها و روزنامه‌ها کشاند، این شایعه بود که دختری که در روز ۲۵ مرداد ۱۳۸۳ (۱۵ آگوست ۲۰۰۴) در محله نارنج باغ نکا، طناب دار بر گردنش گره خورد، نه عاطفه سهاله ۲۲ ساله که عاطفه سهاله ۱۶ ساله بود.

مدارک: جواز دفن عاطفه می‌گوید او متولد ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) و ۲۲ ساله است. پدرش شناسنامه خود را مقابل می‌گذارد، در آن نوشته شده که عاطفه سهاله متولد ۳۰ شهر یور ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) است. ۱۶ ساله. این ادعا و گواهی خلاصه رونوشت فوت سازمان ثبت احوال، روز فوت را دوم مرداد ۸۳ (۲۳ می ۲۰۰۴) اعلام کرده است.

گواهان نکایی: قاضی پرونده اعلام کرده که نامه تعدادی از اهالی نارنج باغ نکا، که نسبت به اعمال منافی عفت عاطفه اعتراض داشته‌اند، عامل دستگیری او بوده است. عده‌ای از اهالی نکا نیز در نامه دیگری با ۴۳ امضا در تاریخ دوم خرداد ۱۳۸۳ (مאי ۲۰۰۴) نوشته‌اند: «این جانبان اطلاع کافی داریم که عاطفه دختر صفر علی از عقل کم دارد. داری بیماری روان می‌باشد. مراتب جهت جلوگیری از پیگرد قانونی به اطلاع می‌رسد.» هم چنین شهادت نامه دیگری به امضا ۴۴ تن از اهالی نکا رسیده است که بعد از اعدام عاطفه دریافت شده و در آن ساکنان نارنج باغ و بستگان و آشنایان عاطفه به داشتن جنون ادواری او شهادت داده‌اند.

شادی صدر حقوق دانی که وکالت صفر علی سهاله را برای شکایت از حکم اجرا شده عاطفه پذیرفته، در این باره چنین توضیح می‌دهد: به استناد شهادت برخی از مردم نکا، مبنی بر جنون ادواری عاطفه، و به استناد شهادت مکتوب خودش در این باره، به قاعده باید از او تست پزشکی گرفته می‌شد. تلخ حتا پس از مرگ: صفر علی با پیراهن سیاه روبرویم نشسته است، کارنامه‌های عاطفه را تا می‌کند و داخل نیلون سیاه می‌گذارد. به نمره ۲۰ عاطفه نگاه دیگری می‌کنم، نمره ورزش، کلاس پنجم، معدل او از ۱۶/۱۷ در اول دبستان به ۱۱/۶ در کلاس پنجم رسید، اما نمره انطباضش از ۱۷ پایین‌تر نیامد. عاطفه به جرم داشتن رابطه جنسی با مردی که بسیار از او بزرگتر بود اعدام شد. برای مرد مجازاتی در نظر نگرفتند.

۲ اکتبر ۲۰۰۴، روزنامه «ایران»،

قانون برای کودکان ناقص است

مسائل زیادی را در طول روز می‌بینیم و از کنار آن‌ها می‌گذریم، بی تفاوت... اما نگاه هر کدامان به کودکی بیفتد و متوجه عذاب کشیدنش بشویم، حتما کمی ما را به فکر وامی‌دارد.

در حال حاضر تعداد زیادی از کودکان در ایران و بخش‌های مختلف، مشغول به کارهای سختی مانند کار ساختمانی هستند. حتا دیده شده که کودکانی در سنین سیزده الی چهارده سال در معادن کار می‌کنند و آن کنترلی که باید باشد، نیست. و این اطفال در بسیاری از سنگ بری‌ها، کارگاه‌های جوش کاری و مشاغل سخت و زیان آور مشغول به کارند.

آن چه در قانون کار برای اطفال پیش بینی شده است، تنها درباره سن اطفال است. بدین صورت که امکان به کارگیری اطفال زیر پانزده سال وجود ندارد، «طبق ماده ۷۰ قانون کار، به کارگیری افراد زیر پانزده سال ممنوع است» و در مورد ساعات کار نیز تخفیف‌هایی در نظر گرفته شده و بیش از این مقرراتی پیش بینی نشده است. کار اطفال را می‌توان از دو بحث جرم شناسانه و زیان آور بودن کارها بررسی کرد. کارفرماهایی که کودکان زیر پانزده سال را به کار می‌گیرند، به دلیل سودجویی خود سعی می‌کنند از این اطفال در کارگاه‌های مخفی زیرزمینی با حداقل امکانات استفاده کنند که بدین

قوانین بین المللی در مورد کودکان

در سال ۱۹۱۹، کنوانسیون «سازمان جهانی کار» تصویب کرد که کودکان زیر چهارده سال نباید در کارخانه های صنعتی به کار گرفته شوند. ۷۲ کشور این مصوبه را پذیرفتند.

– سال ۱۹۳۰، کنوانسیون همین سازمان کار اجباری کودکان را منع کرد. این مصوبه مورد قبول ۱۳۹ کشور قرار گرفت.

– سال ۱۹۶۶، توافق نامه بین المللی سازمان ملل در مورد «حقوق شهروندی و سیاسی» شامل این بخش هم بود که کار اجباری ممنوع اعلام گردد و کودکان از استثمار اقتصادی محفوظ بمانند. ۱۳۵ کشور این توافق نامه را پذیرفتند.

– سال ۱۹۷۳ کنوانسیون «سازمان جهانی کار»، در مورد کار کودکان تصریح کرد کودکان فقط زمانی که تحصیلات اجباری شان را به اتمام رسانده باشند و یا حداقل سن پانزده سالگی را پشت سر گذاشته باشند، حق استخدام و اشتغال را دارند. حداقل سن برای انجام کارهای سخت نیز هجده سال در نظر گرفته شد. این مصوبه مورد توافق ۴۹ کشور قرار گرفت. سپس در همان سال حداقل سن برای اشتغال به کارهای سخت تر به شانزده سالگی تقلیل داده شد.

– سال ۱۹۸۹، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل، ضمن بررسی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شهروندی کودکان، در بند ۳۲ در مورد حفاظت کودکان از کارهایی که به سلامتی و رشد و تحصیل آنان لطمه میزند، هشدار داد. این کنوانسیون به امضای ۱۸۷ کشور رسید.

– سال ۱۹۹۸ کنوانسیون لغو کار پر مخاطره، اجباری و بردگی به دنبال حرکت گلوبال مارش (رژه جهانی علیه کار کودک) بر ممنوعیت کار اجباری کودکان و کار سخت و پر مخاطره از جمله کار خیابانی تاکید گذاشت، این کنوانسیون که به لایحه ۱۸۲ سازمان جهانی کار معروف است، به امضای ۱۷۹ کشور رسید.

– کنوانسیون ۱۳۸ «سازمان جهانی کار» در واقع مرز کار سالم و بی خطر را برای کودکان تعریف می نماید، در این کنوانسیون آمده است: حداقل سن کار سالم – حداکثر ۱۲ ساعت در هفته – برای کشورهای پیش رفته سیزده سال و کشورهای غیر پیش رفته دوازده سال است.

مدیر کل بهزیستی استان تهران با اشاره به قانون الزام استخدام ۳ درصد از کل استخدام های نهادهای دولتی مطابق مجموعه قوانین گفت: این قانون به طور کامل اجرا نمی شود. وی با بیان این که ناشنوایان استان تهران سرشماری نشده اند، گفت: تنها آمار ناشنوایانی که برای ارائه خدمات به بهزیستی مراجعه کرده اند در دست است. این مقام مسئول آمار ناشنوایان کشور را حدود ۱۳۴ هزار ناشنوا بر اساس جمعیت اعلام کرد و گفت: ۱۴ میلیون ناشنوا در دنیا وجود دارد.

۱۵ اکتبر ۲۰۰۴، آرشیو روزنامه «ایران»، منبع روزنامه «اعتماد»،

کودکان گل – کارگل

حداقل سن کار در ایران پانزده سال است و کارفرمایی که افراد زیر پانزده سال را به کار گمارند، به پرداخت جریمه و در صورت تکرار تخلف به حبس محکوم خواهد شد. در مورد کارگران کارگاه های خانوادگی که انجام کار آنها منحصراً توسط صاحب کار، همسر و فرزندان آنان انجام می شوند، شرایط سن رعایت نمی شود. به عبارت دیگر، استثمار کودکان توسط والدین آزاد است. در این جا بد نیست اشاره کوتاهی به قانون دیگری در همین رابطه داشته باشیم. اخیراً قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که برای سومین بار از طرف مجلس به شورای نگهبان ارائه شد و مشمول تصویب شورا قرار گرفت، در حالی که یکی از مهم ترین مفاد آن حذف شد و آن این که «والدین کودک آزار از مجازات معاف شدند»، در حالی که ۹۰ درصد کودک آزاری از جانب والدین اتفاق می افتد.

۱۵ دسامبر ۲۰۰۴، روزنامه «شرق»،

قتل هولناک ۲۶ کودک در ایران

در حالی که قاتلان کودک آزار پاکدشت، به قتل ۲۹ نفر که ۲۶ نفر آنها را کودکان تشکیل می دهند اعتراف کرده اند، ماموران احتمال می دهند جنایت های این قاتلان از این تعداد بیشتر باشد.

Adress: Box 854
101 37 Stockholm - Sweden

E. mail: suzanbahar@hotmail.com
www.darvag.com

دبیر «جمعیت الغای کار کودکان»: سوسن بهار